نظرات اصلاحی حزب تودهٔ ایران

پیرامون طرح هیئت ویژه دولت در کردستان دربارهٔ خودگردانی

طرح خودگردانی که متن کامل آن ازجانب هیئت ویژه دولت درکردستان، برای ناحیه‌های خودگردان انتشار یافته، تامردم وخصوصاً احزاب سیاسی نسبت بدان نظر اصلاحی خود راارائه دهند، بنظر حزب توده ایران، طرحی است که چنانچه تنقیح، اصلاح وتکمیل شود، میتواند مبنائی برای طرح جامعی مورد استفاده واقع گردد.

اصلاحاتی که بنظر حزب توده ایران، میبایستی درطرح منتشره انجام گیرد، بشرح زیر است:

۱ـ طرح‌به‌این سئوال پاسخ نداده‌است که به‌چه سبب ونیز بخاطر کدام هدف، واگذاری «خودگردانی» (خودمختاری) لازم آمده است. لازم است درمقدمه‌ای گفته شودکه عمل و اهداف خود «خودگردانی» کدامند. زیرا فرق است میان مثلا ناحیه کردستان باناحیه اصفهان ویامثلا میان ناحیه بلوچستان باناحیه شیراز. خودگردانی به خلقهائی درایران واگذارمیشود که غیرفارس هستند، دارای زبان، مذهب، فرهنگ وسنن و آداب ورسوم خاص خویشند وددردوران رژیم سلطنتی درایران خصوصیات ملی وقومی آنها نادیده گرفته شده، در معرض تبعیض وستم قرار گرفته‌اند ودرنتیجه عقب نگاه‌داشته شده‌اند.

بنابراین درمقدمه‌ای که میبایستی در طرح هیئت ویژه افزوده شود، باید قیدشودکه ۱) ایران کشوری است کثیرالمله، درایران اقوام کرد وآذربایجانی وبلوچ وترکمن واقلیت های ملی ارمنی، آسوری، کلیمی وغیره زندگی میکنند. ۲) در ایران ستم ملی دیرپائی وجود داشته که مانع رشد آزاد و

بقیه در صفحه ۲

مردم

ارگان مرکزی حزب تودهٔ ایران

دورهٔ هفتم ، سال اول، شمارهٔ ۱۲۶
سه‌شنبه ۴ دیماه ۱۳۵۸ ـ تکشماره ۱۰ ریال

آقای بازرگان بادفاع از امیرانتظام از «خط» خودش دفاع کرده است

مصاحبه‌ای که آقای بازرگان با روزنامه «بامداد» (شماره‌سوم دیماه) بعمل‌آورده ودرآن از امیرانتظام دفاع نموده، در نظراول میتواند شگفتی برانگیزد، شگفتی ازاینکه چگونه‌درشرایط کنونی میتوان بدفاع ازکسی برخاست که طبق اسنادمکشوفه ازلانه‌جاسوسی آمریکادرمقام‌معاونت نخست‌وزیر با ماموران «سیا» تماس‌های‌محرمانه داشته، برای تسهیل ایـن تماس‌ها بعنوان سفیر ایران به سوئد منتقل‌شده وقراربوده است که او در رأس سفارت ایران در واشنگتن بکمارند تا بوسیله او راه «بهبود مناسبات آمریکارا با ایران» مجدداً بسود امپریالیسم تجاوزکار و غارتگریانکی هموار سازند.

ولی دقت بیشتری به سخنانی که آقای بازرگان دراین مصاحبه ایراد داشته، ایـن شگفتی را برطرف میکند، زیرا این سخنان نشان میدهد که آقای بازرگان با دفاع از امیرانتظام از «خـط» خودش دفـاع کرده است، «خطی» که امپریالیسم آمریکارادشمن نمیداند، «خطی» که معتقد است «چون وابسته بـوده‌ایم ناچار باید وابسته بمانیم»، «خطی» که ازتعمیق انقلاب بسود مستضعفین بیم دارد، «خطی» که باسقوط شاه انقلاب را تمام‌شده‌میداند، «خطی» که احکام دادگاههای انقلابی‌را «آبروریزی» و تعقیب سـاواکیهـا را «انتقام‌جوئی» میخواند، «خطی» که‌بمدت‌نزدیک‌به۸ماه‌باساجت‌انقلاب ضدامپریالیستی وخلقی ایـران را ترمزکرد و «خط «گام‌بگام» معروف شد.

آقای‌بازرگان نسبت‌به «خط‌گام بگام»خودش (که‌همان «خط» بورژوازی لیـبرال سازشـکار است)، صادق‌ودرپیشبرد آن‌سرسخت است. این «خط» به‌ناگهان پیدانشده، ریشه‌ومبنای دیرینه دارد وبراین نظراستوار است که میتوان بکمک امریکادرایران رژیمی«مطلوب» برقرارکرد، یك «مشروطیت بدون‌شاه» روی کارآورد.

بقیه در صفحه ۲

وقتی ناقوسها به صدا درمیایند

«تل زعتر» زیر رگبار مسلسل‌های اسرائیل درخون پیرزنان و کودکان غرق شد، و ناقوس‌های سراسر جهان سرمایه‌داری خاموش بودند.

«می‌لای» زیر چکمه‌خونین سربازان امریکائی‌قتلگاه شد، و ناقوس‌ها خاموش بودند.

از مزارع ویتنام خوشه‌های‌مرگ‌زای ناپالم‌امریکائی روئید، و ناقوس‌ها خاموش بودند.

هیروشیما با بمب‌اتمی‌امریکاجهنم شد، و ناقوس‌ها خاموش بودند.

کره، زیر گام‌های یانکی‌هـا کشتارگـاه شد، و ناقوس‌ها خاموش بودند.

دومنیکن در آتش و خون آمریکائی‌ها غرق شد، و ناقوس‌ها خاموش بودند.

اجساد نیم‌میلیون نفر از مبارزان اندونزی را رودها بردند، و ناقوس‌ها خاموش بودند.

خون کارگران شیلی سنگفرش‌خیابانها را رنگ زد، و ناقوس‌ها خاموش بودند.

انگشتان «ویکتورخارا» را که‌نغمه‌آزادی میساخت، جلادان امریکائی یك‌به‌یك بریدند، و ناقوس‌ها خاموش بودند.

کنگوی لومومبا ،سرزمین مـرگ و اشباح شد، و ناقوس‌ها خاموش بودند.

سیاه‌پوستان و سرخپوستان «لینچ»شدند، و ناقوس‌ها خاموش بودند.

تیزابی در شکنجه‌گاه استخوانهایش خرد شد و ناقوس‌ها خاموش بودند.

کمر بدیع‌زادگان را درهم شکستند، و ناقوس‌ها خاموش بودند.

تعلیم‌دیدگان‌سیا، تنهای شریف‌مبارزان راسوزاندند و بریدند، و ناقوس‌ها خاموش بودند.

ارانی‌ها و روزبه‌ها، حکمت‌جوها و احمدزاده‌ها، مفتاحی‌ها و رضائی‌ها در شکنجه‌گاه و میدان‌های اعدام شهید شدند، و ناقوس‌ها خاموش بودند.

صدها زن در ۱۷ شهریوردر خون خویش‌خفتند، و ناقوس‌ها خاموش بودند.

درخیابانهای اصفهان و قم و شیراز و نجف‌آباد و... خون جوشید، و ناقوس‌ها خاموش بودند.

۷۰ هزار ایرانی، را رگبار مسلسل‌های امریکائی سوراخ سوراخ کردند، و ناقوس‌ها خاموش بودند.

۱۰۰ هزار زخمی به خانه‌هایشان بازگشتند، و ناقوس‌ها خاموش بودند.

و:

۵۰ جاسوس به گروگان گرفته شدند.

گوش کنید! ناقوس‌ها بصدا درمی‌آیند.

ای چهره سالوسی امپریالیسم امریکا

ای ریای سرمایه

ای دروغ‌زن بزرگ، ای امریکا

بگذار ناقوس‌ها بصدا دربیایند. ناقوس‌ها صدای امام را به‌چهارسوی جهان خواهند برد: «ناقوس‌ها را به نفع ملت‌های مستضعف کـه در زیر چکمـه دژخیمـان کارترها از هستی ساقط میشوند، به صدا درآورید»

بزرگداشت خاطره علی امید مبارز دلیر راه طبقه کارگر ایران

دیروز رفقا و همرزمان علی‌امید، فرزند راستین سرزمین نفتگران دلاور خوزستان، دربهشت زهرا و برسرمزار وی گردآمدند تا خاطره جاودان و تابناك اورا گرامی‌بدارند.

مزارعلی امیدرا دسته‌های گل پوشانده‌بود. دسته‌گل اهدائی کمیته‌مرکزی‌حزب تودهٔ‌ایران حزب علی‌امید نیزدرمیان‌دسته‌های گل‌همرزمان علی‌امید قرار داشت. بریکی از گلهایادداشتی به‌این مضمون قرارداشت:

«جاویدباد یادعلی‌امیدرزمندهٔ استوار راه کارگران ایران، عضوحزب تودهٔ ایران، سنگر دیرین مبارزات‌مردم‌قهرمان ایران ـ گروهی‌از اعضاء سابق نهضت سرخ‌حسینی، هواداران‌حزب تودهٔ ایران».

درمراسم دیرور، رفیق علی‌شناسائی، از همرزمان علی‌امید ویکی ازمسئولین سازمـان حزب توده ایران درتهران، بیاد مبارزات علی امید، این فرزند دلیرطبقـهٔ کارگـر ایـران، سخنرانی‌کرد. وی‌درآغاز سخنان خود، دربارهٔ مبارزات علی‌امید درشکنجه‌گاههای رژیم‌منفور پهلوی، گفت:

«هنوز خاطرهٔ اوکه درزندان قزل‌قلعه‌زیر ضربات و شکنجه، مردانـه مقاومت مـی‌کرد، فرامـوش نشده است. علـی‌را پس‌ازده ساعت شکنجه، باقدمهای استوار واراده‌ای‌خلل‌ناپذیر درحالیکه دست‌هایش بسته بود درسلول‌انفرادی محبوس میساختند. ازآن‌پس‌کسی آه‌وناله‌ای از او نمی‌شنید. اورا بیش‌از ۱۵ بار به‌شدیدترین

بقیه درصفحه ۵

درمقابل لانه جاسوسی امریکا: فریادمرگ بر آمریکا خاموشی ندارد

همگام و یك‌صدا می‌آیند. اینان پاسداران انقلابند. بر دوش دو شهید دیگر دارند. شهدائی که در زاهدان با آتش گلوله‌های امریکائی به‌خون خویش فروخفتند. پاسداران باقلبی پر زخشم و چشمانی پر زغم فریاد میزنند:

ـ این سند جنایت امریکااست.

دستان پرزسهر بستر تابوتهای به‌گل‌نشستهٔ دو پاسداراست.

بقیه درصفحه ۵

یادشهید توده‌ای علی مطلب‌زاده راگرامی میداریم

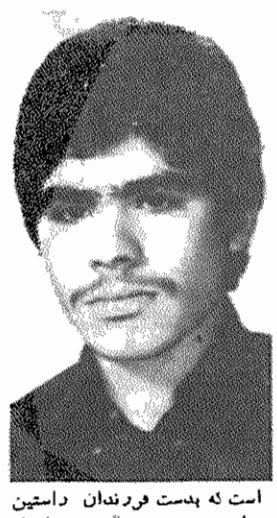

امروز (۴ دیماه) سالگـرد شهادت **علی‌مطلب‌زاده**، بدست مـزدوران امپریـالیسم امریکا درحوالی لانه‌جاسوسی آمریکاست. سال‌گذشته، درچنین روزی، سیل خروشان مردم، که از دخالتهای خشن‌امپریالیسم آمریکادرمیهن‌ما وحمایت از جلاد مردم کشورما، خشمگین بودند، ازدانشگاه‌بسوی مرکز توطئه‌های ضدانقلاب، یعنی لانه جاسوسی آمریکا روان شدند، تانفرت خودرا ازاینهمه جنایت‌و بیدادگری، عزم خودرا در نابود کردن پیوندهای‌اسارت‌وواپستگی ودرك خودرا ازمنشأ اصلی‌توطئه‌هائی که علیه‌آنها تدارك میشود، یعنی جاسوسخانه آمریکا، اعـلام دارند.

علی مطلب زاده، دانش آموز پرشور نیز درمیان مردم بود. اوصبح آنروز از کرمانشاه به‌تهران آمده ویکـراست عازم دانشگاه شده‌بود. تانیروی‌خودرا به‌نیروی میلیونی مردم وغـرش خشم خودرا به‌فریاد حـق‌طلبانه آنان بیفزاید. بروی مردم آتش گشودند وازلانـهٔ جاسوسی‌بروی مـردم کپسول گازهـای اشك‌آور پرتاب‌کردند **وعلی** یکی‌از کسانی بودکه درخون پاك‌خـود غلطید.

اکنون‌لانه جاسوسی مدتـی است که بدست فرزندان راستین خلق تسخیر شده است و اسناد وشواهد بدست آمده درآن نشان میدهدکه توده‌های انقلابی‌مـردم دوتشخیص بزرگترین دشمن خود بخطا نرفته‌اند. ریختن خون‌های پـاك **مـطـلب‌زاده‌هـا** سـند دیگری‌برجنایت‌پیشگی‌عمال‌گوش بفرمان «دیپلمات»های آمریکائی‌و دلیل‌دیگری‌برضرورت‌تسخیراین مرکز جنایت وجاسوسی است.

علـی مطـلـب زاده از هواداران حزب توده‌ایران،حزب طبقه کارگرایران بـود، یـادش گرامی‌باد.

دادگاه رشت قاتلان ۵ رفیق توده‌ای را محکوم کرد

- قاتلان ۵ رفیق توده‌ای به ۲ سال زندان تاحبس ابد محکوم شدند.
- یکی از وکلا در دادگاه گفت: شهدای این واقعه مانند دیگرشهدای حزب توده ایران به خاطر مبارزه با استعمارگران خارجی به شهادت رسیدند.
- پدر رفیق شهید علی بلندی: من تـا نفس آخر باین راه ادامه میدهم: زنده باد امام خمینی، زنده باد حزب توده ایران.

بقیه درصفحه ۵

لیست ساواکی‌ها را منتشر کنید!

www.iran-archive.com

نظرات اصلاحی حزب توده‌ایران

پیرامون طرح هیئت ویژه دولت در کردستان درباره خودگردانی

بقیه ازصفحه ۱

همه‌جانبه ایران ومانع وحدت واقعی وداوطلبانه و مستحکم خلق‌های ایران بوده است. ۳) ستم ملی محصول حکومت استبدادی سلطنتی وابسته بوده است. ٤) این ستم ملی باید رفع شود تاراه رشد همه‌جانبه خلقهای ساکن ایران چنان گشوده گردد که عقب‌ماندگی خلقهائی‌که درمعرض ستم ملی بوده‌انددرتمام شئون زندگی‌رفع گردد وبهمین منظورخودگردانی به این خلقها واگذار میشود. ٥) جمهوری اسلامی ایران مبارزات خلقهای ستمدیده ایران درراه رهائی ازستم ملی را جزء جنبش‌انقلابی‌رهائی‌بخش همه‌مردم‌ایران‌میداندکه‌همهٔ آنها درانقلاب ایران برهبری امام خمینی علیه رژیم سلطنتی‌وابسته به‌امپریالیسم، برای ایجاد ایرانی واقعا وکاملا مستقل، آزاد وآباد بسود مستضعفان شرکت داشته اند.

۲ـ در این مقدمه طرح خودگردانی باید قید شود که خلقها و یا ملیتها و یا اقوامی که در ایران تحت ستم ملی قرار داشته‌اند، کدامها هستند. نام آنها باید ذکر گردد و بدین ترتیب موجودیت ملی و قومی آنها و نیز لزوم رفع ستم ملی از آنها تصریح شود.

۳ـ خودگردانی به آن ناحیه‌هایی در کشور واگذار میشود که‌اکثریت اهالی‌آنها غیر فارسند (بر این مبنا باید در تقسیمات کشوری تجدید نظر بعمل آید) اینگونه ناحیه‌ها در تقسیمات کشوری ممکن است یك یا چند استان باشد. در صورتیکه یك استان باشد، شورای استان و در صورتیکه چند استان باشد، شورائی مرکب ازنمایندگان منتخب شورا‌های استانها ـ ارگان خودگردانی خواهد بود.

(در کردستان بنظر ما باید مناطق‌کردنشین ایلام را به‌کرمانشاه ملحق کرد و مناطق کردنشین آذربایجان‌غربی را بامرکزیت شهر مهاباد، بیك‌استان جدید تبدیل نمود. به این‌ترتیب سه استان‌کردنشین کرمانشاهان، سنندج و مهاباد خواهیم داشت. برای تعیین مناطق کردنشین آذربایجان غربی و ایلام میتوان از اصول همه‌پرسی (رفراندوم) از اهالی محل استفاده نمود.)

٤ـ در طرح میبایستی تصریح گردد که سازمان‌اداری منطقه خودگردان برپایه اصل شورائی قرار دارد، یعنی‌انتخاب همه شوراها و مقامها ازپائین به‌بالا است و نه انتصاب از بالا به‌پائین.

٥ـ در طرح باید لزوم رفع عقب‌ماندگی ناحیه خودگردان تصریح گردد و قید شود که با برنامه‌ریزیهای‌عمومی (سراسر کشوری) و نیز برنامه‌ریزیهای ناحیه‌های خودگردان (از جمله برنامه‌های ضربتی) بمنظور تسریع رشد صنایع، کشاورزی، فرهنگی و امور رفاهی، عقب‌ماندگیهای تاریخی آنها بایدبرطرف شود چنانکه این‌ناحیه‌ها به سطح‌دیگر مناطق کشور برسند.

٦ـ در طرح همچنین باید قید شود که در ناحیه‌های خودگردان اصلاحات ارضی بسود دهقانان بی‌زمین و کم‌زمین و بسود احیای کشاورزی‌ایران درسراسر کشور بطور یکسان اجرا خواهدشد و فئودالیسم بهرشکلی از اشکال درناحیه‌های خودگردان باقی باشد، از ریشه منحل خواهدگردید.

نظرات اصلاحی در مورد حقوق ووظایف ناحیه های خودگردان مندرج درطرح هیئت ویژه

۱ـ در تبصره ماده ۲ (از بخش الف) قید شده‌است که «استاندار و فرمانداران به‌پیشنهاد وزارت کشور و تائیدشورای ناحیه خودگردان بکار گمارده میشوند.»

این تبصره متناقض با ماده ۲ استکه در آن «کار به دستان اداره‌های ناحیه خودگردان که‌امور محلی را اداره می‌کنند، به‌پیشنهادشورای ناحیه و تصویب وزارتخانه مربوطه در دولت به‌کار گمارده میشوند.»

استانداران و فرمانداران ـ کاربدستانی هستند که امور محلی‌را اداره میکنند و لذا طبق‌همان ماده ۲ میبایستی ازطرف شورای ناحیه معرفی شوند و پس‌ازتائید وزارت کشور به‌کار مشغول گردند.

۲ـ ماده ۳ (از بخش الف) راجع به دادگستری گنگ و مبهم است. بایدبصراحت‌قید شودکه‌دادرسی درمراحل‌هدایت و استیناف در اختیار دادگستری ناحیه خودگردان است. اگر طرفین دعوی و یا دولت‌اعتراضی به‌قرار این دادگاههای محلی داشته باشند، مسئله در دیوان عالی تمیزقابل تجدید بررسی و صدور حکم جدید خواهد بود.

۳ـ درمورد انتظامات ناحیه، مادام‌که «انتظامات برعهده کاربدستان ناحیهٔ خودگردان است» (جمله‌اول‌ماده ٤)،رئیسان نیروهای انتظامی (پلیس شهری و روستائی) نیز قاعدتا می‌بایستی ازطرف شوراهای ناحیه خودگردان پیشنهاد شوند وپس از تائید وزارت‌کشور (شهربانی و ژاندارمری) بکار مشغول گردند و نه برعکس.

ضمنا دراین‌ماده یکجا نیروی انتظامی (پلیس شهری و روستائی)ذکر شده و یکجا (شهربانی و ژاندارمری) آیاپلیس شهری همان شهربانی و پلیس‌روستائی همان ژاندارمری است. اگر چنین است که عبارت باید یك‌نسق شود و اگر نیست توضیح داده شود که «پلیس شهری و روستائی» چیست؟

٤ـ در طرح از پاسداران و سپاه‌پاسداران‌ذکری‌نشده است و حال‌آنکه یکی از مسائل گرهی است. این یك نقیصه‌جدی در طرح است که باید برطرف شود. نحوه انتخاب و معرفی وتصویب رئیس‌یکان یا یکانهای پاسدار در ناحیه خودگردان میبایستی همانند نحوه انتخاب، معرفی و تصویب روسای شهربانی و ژاندارمری در ناحیه خودگردان باشد، یعنی از سوی ارگان ادارهٔ خودگردانی معرفی گردد و پس‌از تائید فرماندهی سپاه‌پاسداران مشغول انجام وظیفه گردد.

٥ـ درطرح ازهویت ملی وقومی‌افراد پلیس و ژاندارم (و نیز پاسداران) ذکری بعمل نیامده است اینهم یکی از مسائل گرهی و جدی‌است. واضح‌استکه پلیس مثلا بلوچ را نمیتوان و نباید در آذربایجان و یا ژاندارم آذربایجانی را در کردستان و یا پاسدار کرد را دراصفهان‌به‌خدمت گمارد.

پلیس‌و ژاندارم‌میبایستی‌حتی‌المقدور و پاسداران‌میبایستی حتما از اهالی محل‌باشند تا اولا بتوانند بهتر وظایف‌خود را انجام دهند و ثانیا مقبول اهالی باشند.

٦ـ ماده‌ای باید اضافه گردد دائر بر اینکه باید ازمردم نواحی خودگردان جوانانی به‌آموزشگاه‌های نظامی (ارتش) معرفی و از آنان کادرهای افسری لازم جهت ارتش و نیروهای انتظامی تربیت شوند.

۷ـ درماده۷ (ازبخش‌الف)گفته‌شده: «ناحیه‌خودگردان حق‌داردعلاوه‌بر دریافت‌وطرح‌بودجه‌ایکه‌بعنوان سهم ناحیه از بودجه کلی‌کشور دریافت میدارد، عوارض درمحل وضع کند تا با سرعت‌بیشتری‌بتوان نیازمندیهای‌ناحیه را رفع کرد».

به‌این ماده باید افزود «دولت مرکزی در تقسیم‌بودجه عمومی درنظر خواهد گرفت که علاوه بر مبلغی که بر حسب جمعیت هراستان به‌شورای استان‌اختصاص میابد، سهم‌بیشتری برای ناحیه‌های خودگردان به‌سببی‌که بیشتر عقب نگاه‌داشته شده‌اند، بمنظور تسریع رشد آنها، تخصیص دهد.»

۸ـ در ماده ۱۰ (از بخش الف) قید شده است که درهر ناحیه خودگردان تدریس «زبان‌قومی... از کلاس اول دبستان به‌بالا همراه با زبان‌فارسی خواهد بود.ولی تدریس درسهابه زبان فارسی... خواهد بود».

نظر به‌اینکه اولا مسئله تدریس بزبان مادری (قومی) یکی‌از عمده‌ترین خواستهای محقانه اقلیتهای ملی (اقوام‌غیر فارس) است و ثانیا در دبستان بطورعمده زبان‌تدریس میشود و ثالثا فراگیری زبان غیر مادری برای هر طفلی که درمحیط آن‌زبان زندگی نمیکند بسیار دشواراست و رابعا فراگیری دیگر دروس در حد دبستان بزبان مادری برای هرطفلی که بخواهد زبان مادری را نسبتا کامل بیاموزد، از ضروریات است، لذا تدریس در دبستان بطورعمده میبایستی بزبان مادری باشد، البته همراه با چند ساعتی تدریس زبان‌فارسی تا طفل مایه‌ای برای ادامه‌تحصیل در دبیرستان (که‌تدریس بطور عمده فارسی خواهدبود) کسب کند.

(ضمنا درهمین ماده ۱۰ زبانهای ترکمنی و عربی‌فراموش شده که باید اضافه شود)

۹ـ در ماده ۱۱ (از بخش الف) قید شده است که «نامه‌نگاری در هر ناحیه خودگردان به زبان‌فارسی و زبان قومی هر دو رسمیت‌دارد ولی‌مکاتبه میان‌اداره‌های آن‌ناحیه... تنها به‌زبان فارسی خواهد بود». بنظر میرسد که این ماده دچار ابهام یا تناقض است. مادام که نامه‌نگاری (قاعدتا همان مکاتبه است) در ناحیه خودگردان رسمیت دارد، نامه‌نگاری (مکاتبه) میان اداره‌های همان‌ناحیه خودگردان دارای رسمیت است. پس این‌ماده باید اصلاح‌شود بدین شرح: نامه‌نگاری درهرناحیه خودگردان‌بزبان قومی و بزبان‌فارسی هردو رسمیت دارد ولی‌مکاتبه اداره‌های آن‌ناحیه با دولت و یا سایر ناحیه‌های خودگردان تنها به‌زبان فارسی خواهد بود که‌زبان‌مشترك تمام خلقهای ایران است.

۱۰ـ در ماده ۱۳ (از بخش الف) باید قید شود که هر ناحیه خودگردان یك‌کانال تلویزیون و یك‌موج رادیوئی مخصوص خواهد داشت که تابع‌صدا و سیمای جمهوری‌اسلامی ایران خواهند بود، منتها برنامه‌های‌محلی را اجرا خواهندکرد.

۱۱ـ در ماده ٤ (از بخش ب) قید شده‌است که «درمورد زمینه‌های گوناگون... طی گزارشهائی که چگونگی آن‌باید روشن باشد...». «چگونگی آن باید روشن باشد» یعنی چه؟

چنین است برخی نظرات اصلاحی نسبت به طرح هیئت ویژه دربارهٔ خودگردانی.

آقای بازرگان با دفاع از امیرانتظام از «خط» خودش دفاع کرده‌است

بقیه ازصفحه ۱

این«خط»، دشمن اصلی‌را نمی‌بیندکه سهل است این دشمن اصلی رادوستی مددکار میداند. دقت‌کنید آقای بازرگان چه‌میگوید،«اتفاقاً در این اسنادکه‌تلویزیون آن‌را منتشرکرد اسنادی دال‌برخلوص نیت و مهارت امیرانتظام ازدفاع از منافع ایران میکند (چون امیر انتظام درجهت بهبودروابط باامریکا کار میکرده) آقای امیرانتظام رامن اززمان تحصیل از دانشکده فنی یعنی ازسالهای ۳۰و۲۹ می‌شناسم.مدتی‌درشرکت خصوصی خودمن کارمیکرد (وبهمین دلیل نیز یکسره برای‌معاونت نخست‌وزیر صاحب شرکت برگزیده شد) بعدهم درنهضت مقاومت ملی، یعنی در سالهای بعداز کودتا ایشان عضوفعال وروابط سیاسی نهضت مقاومت‌با خارجی‌ها بود... وبخوبی ازعهده این‌کار (کارروابط سیاسی‌با خارجی‌ها) برمیآمد وعلیه نظام شاه مخلوع دست‌به افشاگریهائی زدکه من‌اورا تحسین میکردم.

بعنوان نمونه‌ها برای هرکارمند سیاسی‌که وارد‌ایران‌میشد بخصوص‌آمریکائیهادسته‌گل‌میفرستادیم. باارسال این دسته‌گل‌ها ازجنایات شاه وحکومت غیرقانونی او برملت ایران وچپاول‌ها وغارتگری‌های‌شاه ودستگاه سلطنت افشاگری میکردیم وهمین‌آقای امیر انتظام بودکه داخل دسته‌گل برای‌آقای «کاتم»که از مأموران‌آمریکائی بود نامه‌ای فرستادکه برای‌همین‌کار (کار افشاء شاه درنزدآمریکائیها) عده‌ای ازما به‌زندان افتادیم ومن همیشه معتقد بودم که انتخاب امیرانتظام چه درآن سالها وچه بعداز آن انتخابی نبوده‌که روی فریب یاعدم مطالعه وآشنائی انجام داده باشیم.»

بنظرمیرسدکه «خط‌گام‌بگام» روشن‌است.طبق این «خط»،آمریکا نه‌دشمن اصلی بلکه دوست بزرگ ایران است، چنان دوستی‌که میتوان در داخل دسته‌گل باوشکایت بردکه ماشاهی داریم چپاولگر وغارتگرکه شما نشناخته وندانسته اورا برکرسی «حکومت غیر قانونی» (لابد اشاره دور به‌کودتای ۲۸ مرداد است) نشانده‌اید ولی حالاما‌اورا نزدشما بانامه‌ای درداخل دسته‌گل‌افشاء میکنیم‌تاشما اورا بردارید وموافقت‌کنید که ماشاهی غیرچپاولگرداشته باشیم‌که بهتراست این شاه غیرچپاولگرسلطنت‌کند نه‌حکومت وازآن‌هم بهتر اصلا «مشروطیتی بدون شاه» داشته باشیم.

آنگاه‌که شاه علی‌رغم نقشه ۶مرحله‌ای«خط» گام‌بگام آقای بازرگان وزیر ضربات کوبنده انقلاب ایران سرنگون شد، ومحتوا وهدف ضدامپریالیستی انقلاب معلوم‌گردیدند. «خط» گام‌بگام متوجه شدکه انقلاب ازسرنگون کردن شاه فزون‌تر می‌طلبد ولذا «خط» گام‌بگام اززبان آقای بازرگان فریاد برآورد که «سه‌بار به ۹بار غلط کردیم که انقلاب کردیم». «خط» گام‌بگام در صدد برآمد که از «انقلاب دوم (ضدامپریالیستی) که بزرگتر از انقلاب اول است» جلوگیرد، انقلاب را ترمز کند، چنان رانمود سازد که بدون آمریکا زندگی نتوان‌کرد، نمیتوان‌از وابستگی رهاشد فقط بایدکوشید آنرا حتی‌المقدور معتدل کرد، باید درجهت رفع کدورت‌ها با آمریکا کوشید، کلمه امپریالیسم آمریکا را نباید برزبان آورد، در معرفی دشمن میتوان به‌صهیونیسم اکتفاکرد ونیز اگر بتوان «شرق» رانیز برآن افزود.

آقای بازرگان بالجاجت این «خط» رادنبال میکند دراین‌مصاحبه دفاع‌از امیرانتظام باردیگراین «لجاجت» سرسختانه عیان است. گفته‌اند، «این مسئله اشغال سفارت آمریکا وکارگروگان‌گیری و عنوان لانه جاسوسی (به‌سفارت دادن) و حملاتی‌که حاکم برجو فعلی ایران وآمریکاست... از هرجهت قابل بحث و بررسی است.» (تامعلوم شود درست است‌یانه)

همچنین در مصاحبه گفته‌اند، «... ازنظر تسلیحات... اگرما این قراردادها را لغومیکردیم به ملت خیانت میکردیم.زیرااسلحه‌که‌گرز وسرنیزه‌نیست مثل یك‌انسان است. مثل یك موجود زنده‌است‌که باید دائماتر وخشك شود (البته بوسیله دایه) دائم‌بایدبرای آن قطعات یدکی تهیه‌کرد. قطعات یدکی‌هم بسیاری‌از آنها درانحصارآمریکا است... اگر قرار است ارتش ایران دارای تجهیزات باشد، یابایدبه‌سراغ‌کشورهای دیگرمیرفتیم‌که اولا معلوم نبودآنها شرایطما راقبول کنند ودوم‌معلوم نبود چه‌مقدار پول خواهند خواست‌که ماآن پول را داشته باشیم وبعدهم معلوم نبود چه‌موقع بماسلاحهای مورد نیازمان را میدهند.»

وچون همه این مجهولات درمعاملات اسلحه باآمریکا معلوم است، پس باید نتیجه گرفت‌که این قراردادهای تسلیحاتی باید باقی بماند ، قطعات یدکی آنها نیز البته باید ازآمریکا خریداری شودوصدالبته همراه بااسلحه وقطعات یدکی «آموزگاران» آمریکائی هم تشریف بیاورند وبه‌کارخود ادامه دهند.

«خط گام‌بگام» قبول داردکه‌وابسته بوده‌ایم. «خط‌گام‌بگام» قبول‌نداردکه بتوان ازوابستگی‌رهاشد، بالاتر ازآن «خط‌گام بگام» معتقد است‌که باید مناسبات باامریکا را (اگربشود باتعدیلی) همچنان مانندگذشته حفظ‌کرد.

آقای بازرگان درقالب دفاع‌از «امیرانتظام» باازحسن نزیه وتظائر آن‌ها از «خط» خودش دفاع میکند حالابگفته ایشان «اگراینها خارج ازخط‌امام وضدامام حساب‌شده دیگر تشخیص آن‌باخوانندگان و مردم ایران است.»

وقضاوت مردم ایران درست است، «خط‌گام بگام» که‌همان خط بورژوازی لیبرال سازشکار است خارج ازخط امام وبرضد خط امام است و بامنافع و مصالح انقلاب ایران مغایرت دارد.

www.iran-archive.com

جاسوس «سیا» یاور مفسدفی‌الارض

اینهم سندی است از «حسن» انجام وظیفه آقای عباس امیرانتظام. سخنگولی که ازهمان روزاول جاسوس بود ویا جاسوسی‌که بلافاصله پس‌ازانقلاب، «سخنگو» شد.

ازتیتر مطلب نیز تعجب نکنید. همانطورکه‌اگرنوشته میشد: مفسدفی‌الارض یاور جاسوس «سیا»تعجبی‌نداشت. در واقع یك مفهوم است‌که درقالب‌دوعبارت مختلف‌بیان شده است.

برخورد ما با این دونیز نباید تفاوتی داشته است.

دولت موقت انقلاب
نخست وزیری
شماره ۲۱۵۵
تاریخ ۵۷/۱۲/۱۲

سازمان هواپیمائی کشور

خروج آقای سیدعلی معالی‌زاده باگذرنامه شماره ۱٤۸۸٤٤۹ ازکشوربلا مانع است.

معاون نخست وزیر
مینتش امیرانتظام

(نقل‌از «جمهوری‌اسلامی»،۳دی)

معالی‌زاده، طبق‌تشخیص دادگاه انقلاب اسلامی، مفسدفی‌الارض شناخته شده است. وی‌درتاریخ ۵۷/۱۲/۵ به یاری امیرانتظام، جاسوس «سیا» ازکشورگریخت.

دعوت سازمان جوانان و دانشجویان دمکرات ایران برای شرکت در راه‌پیمائی امروز

دیروز این فراخوان از جانب سازمان جوانان و دانشجویان دمکرات ایران انتشار یافت:

اکنون که خیزش بزرك ضد امپریالیستی سراسر میهن انقلابی‌مان را فراگرفته‌است و از هرسوفریادهای«مرك برآمریکا» بگوش می‌رسد، لزوم درآمیختن شور ضدامپریالیستی با عمل قاطع ضد امپریالیستی بیش‌از پیش حس می‌شود. انقلابی که اخیرا آغاز شده و بگفته امام خمینی «بزرگتر از انقلاب اول است» قبل از همه پایگاه اجتماعی امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم آمریکا یعنی سرمایه‌داری بزرك وابسته و زمینداری کلان را باید از ریشه برکند. متاسفانه پس‌از پیروزی مرحله‌اول انقلاب، بسبب کارشکنی و دسایس عوامل وابسته بامپریالیسم و ناپیگیری و سازشکاری بورژوازی‌لیبرال، اقدامات قاطع‌انقلابی در جهت پایان‌دادن‌به‌سلطه سرمایه‌داران‌وابسته و زمینداران بزرك بعمل نیامد و چنین شد که در راس وزارت کشاورزی زمیندار بزرگی همچون «ایزدی» نشست که هم در مقابل خواستهای بحق روستائیان ستمدیده قرار گرفت و هم باطرح و تصویب لوایحی که بهیچوجه با روح انقلاب ما و رهنمودهای امام‌خمینی سازگاری نداشت مشکلات‌فراوانی از خود باقی‌گذاشت.

خوشبختانه مرحله تازه رشد انقلاب توانست چنین عناصر ضدانقلابی و ضددهقانی را بروبد و شورای‌انقلاب در دومین‌اعلامیه خویش پس‌از شروع مرحله کنونی انقلاب، ضرورت نابود کردن فئودالیسم و دادن زمین بدهقانان را اعلام نمود. اما بازهم‌مخالفان خط ضدامپریالیستی و خلقی امام‌خمینی از توطئه‌چینی و سنگ‌اندازی دست برنداشته و تلاشهای مذبوحانه‌ای بعمل می‌آورند تا از فروپاشی قلاع فئودالی و زمینداری بزرك خویش جلوگیری کنند.

سازمان جوانان و دانشجویان دمکرات ایران بر آنست که باید مسئله ارضی هرچه زودتر بنفع دهقانان بی‌زمین و کم‌زمین حل شود، زمین و آب و وسائل کشاورزی و اعتبارات ملی در اختیار دهقانان قرار گیرد.

بدین سبب ما از راهپیمائی «انجمن‌های‌اسلامی» و «سازمان‌های دانشجویان‌مسلمان دانشگاهها» که‌بخاطر مبارزه با فئودالیسم و زمینداری بزرك و محکوم‌کردن کارشکنی‌های عوامل رژیم گذشته و ملاکان بزرك و بمنظور حمایت از واگذاری زمین‌به دهقانان محروم انجام می‌گیرد پشتیبانی کرده و بدعوت آنان پاسخ مثبت می‌دهیم.

سازمان جوانان و دانشجویان دمکرات ایران از همه اعضاء، هواداران و همه نیروهای ضدامپریالیستی و خلقی می‌خواهد که در راهپیمایی روز سه‌شنبه ٤ر۱۰ر۱۳۵۸ که ساعت ۴ بعد از ظهر از لانه‌جاسوسی آمریکا بطرف وزارت کشاورزی صورت می‌گیرد شرکت کنند.

سازمان جوانان و دانشجویان دمکرات ایران
۳ر۱۰ر۱۳۵۸

برای مقابله با تجاوز نظامی امپریالیسم آمریکا
تمام‌خلق باید از نظر نظامی مجهز شود

انقلاب و ضدانقلاب در تبریز

انقلاب بزرگ مردم ایران، هرروز وهرجا، درهر مقطع وبرهه اززمان وبافدرت حیرت آوری این حقیقت تاریخی را، که مارکسیسم به‌آن غنا و عمق خاصی بخشیده است، بیش ازپیش ثابت میکندکه، دربطن وزیربنای تمامی روابط و مناسبات گوناگون وپرپیچ و خم اجتماعی ودر عمق ومحتوی تمامی حوادث وبازیهای سیاسی، قانون اساسی مبارزه طبقاتی است که عمل میکند.

روزنامه «مردم» در مقالات مختلف و تحلیلهای متعدد خود از حوادث بعداز انقلاب ایران، نمونه‌های فراوانی رادراین زمینه بیان داشته است. اینك چگونگی و شکل این مبارزه طبقاتی ـ «که برکه» ـ رادر نمونه حوادث اخیر تبریز، ازنظر میگذرانیم. بدوا به بررسی وقایع می‌پردازیم :

اینك که توطئه ضدانقلاب درتبریز با شکست روبرو شده، بررسی آغازو پایان حوادث تبریز و درسهائی که میتوان از آن برای انقلاب گرفت، دریك جمع‌بست، ضرور بنظرمیرسد این بررسی و جمع‌بست را میخوانید.

حزب خلق مسلمان، درچهارشنبه ۱۴ آذرماه، برای روز پنجشنبه۱۵ آذرماه، مردم‌تبریز را (توجه! فقط‌مردم تبریزرا) به میتینك وراه پیمائی، بمنظور پشتیبانی ازنظرات آیت‌اله شریعتمداری، در رابطه با اصلاح قانون اساسی، دعوت می‌کند. جالب‌آنکه ازیکهفته قبل، در زمانی که تبریز کاملا آرام بود، درتهران‌به‌تعدادی ازخبرنگاران خارجی توصیه میشود که به‌تبریز بروند، ومیگویندکه درروز ای آینده، درآنجا وقایع مهمی روی خواهد داد !

همزمان باآن وطبق اطلاعات موثق، تعداد زیادی اتوبوس، طرفداران این حزب را، ظاهرا بمنظور ابراز پشتیبانی ازآیت‌اله شریعتمداری عازم قم میکنند.

همان روز چهارشنبه ۱۴ آذرماه، از طرف «جوانان آذربایجانی مقیم قم» از مردم دعوت میشودکه به پشتیبانی از نظریات آیت‌اله شریعتمداری برخیزند. این سازمان، مردم قم رابه راه پیمائی درروز پنجشنبه «درتائید نظرات حضرت آیت اله العظمی شریعتمداری پیرامون قانون اساسی» دعوت میکند.

چهارشنبه شب، بنابنوشته روزنامه‌ها، «بین طرفداران حضرت آیت اله العظمی شریعتمداری وعده دیگر، بدنبال بحث و گفتگو در موافقت ومخالفت با قانون اساسی، مشاجره لفظی وزدوخورد روی میدهد.» بعدا این برخوردها بیشتر میشود، کار بالا میگیرد. مردم تحریك شده بسوی اقامتگاه آیت‌اله شریعتمداری کشانده میشوند. دعوت‌پاسداران‌به‌آرامش بجائی نمیرسد. در میان تیراندازیهای هوائی، ناگهان یك پاسدار، که در پشت بام منزل آیت‌اله شریعتمداری مشغول نگهبانی بود، «ازپشت‌مورداصابت گلوله قرار میگیرد.» روزنامه کیهان پنجشنبه ۱۵ آذر، سپس میافزاید: «هنوز معلوم نشده که این پاسدار ازکجا و به وسیله چه‌کسی مورد اصابت گلوله قرار گرفته است». اما هم‌اکنون معلوم شده است‌که مجری این جنایت، که نقش فتیله وباروت رابازی کرده است، یکی ازهمان پاسداران منزل آیت اله شریعتمداری بوده، که توقیف شده است.

صبح روزپنجشنبه از جانب آیت‌اله مدنی (نماینده امام خمینی درتبریز) و هفت‌نفر دیگرازآیات‌نظام، طی اعلامیه‌ای راه‌پیمائی تبریز تحریم میشود. دراعلامیه ازجمله آمده است‌که:

«... دراین‌موقع‌حساس وسرنوشت‌ساز واستقرار حکومت‌اسلامی، اینگونه اعمال وتوطئه برعلیه حاکمیت ملت صلاح و جایز نمیباشد. انشاء اله مومنین‌باآرامش ومتانت خوداین عمل ارتجاعی وضدمردمی راخنثی میسازند وحتما اینگونه اعمال بنفع آمریکا بوده وموردتائید ورضایت مراجع عالیقدر نمیباشد».

بدین پیام بجائی نمیرسد، ولی نشان‌میدهدکه هواداران «امام خمینی درتبریز متوجه توطئه درحال تکوین وتدارك بوده‌اند.

ولی حادثه‌آفرینی شب قبل کارخود رامیکند. میتینك روز پنجشنبه حزب‌خلق مسلمان ـ که موردپشتیبانی حزب‌ایران هم قرار گرفت ـ که برای مخالفت با ماده ۱۱۰ قانون اساسی دعوت شده بود، با پخش تحریك‌آمیز حادثه منزل آیت‌اله شریعتمداری، صورت‌دیگری میگیرد. بنابنوشته روزنامه بامداد «جوان مجاهدی درحالیکه بشدت میگریست، خبربشهادت رسیدن یك پاسداررا در منزل آیت‌اله شریعتمداری به وسیله بلندگو اعلام نمود.... بدنبال سخنان این شخص، مردم درحالیکه فریاد میزدند: عزاست عزاست امروز، شریعتمداری صاحب عزاست امروز، درخیابانهابراه افتادند، اعتراض مخالفت مینمود، از نزدیك‌شدن به آن خودداری شود. این خبر لحظه بلحظه تکرار میشد و به تکرانی مردم تبریز میافزود. بین ساعت ۸ و نیم و هشت ۴۵ دقیقه، لحن گوینده جنبه‌آماده برای خطر بخود گرفت. اعلام شد که‌به طرف ساختمان رادیو-تلویزیون تیر-اندازی میشود و از مردم تبریز و نیرو-های مسلح دعوت میکرد که بکمك آنها بشتابند.

مردم بطرف ساختمان تلویزیون براه افتادند. در مسیر، موجی از جمعیت و هزاران ماشین سواری و کامیون پراز مردم بحرکت‌درآمدند. همگی الله‌اکبر-گویان مردم کوچه و بازار را دعوت به شرکت میکردند. در مدت کمتر ازیك ساعت، جلو ساختمان رادیو-تلویزیون، دانشگاه و خیابانهای اطراف از جمعیت لبریز شد. صدهاهزار وشاید بیشترآمده بودند. شعارها عموما شعار وحدت و ضد-امریکا بود.

مرتب زخمی بود که میبردند. در آن تاریکی شب معلوم نبود که گلوله از کجا می‌آید. ولی مردم دلاور تبریز از جای خود تکان نمیخوردند. شعار می-دادند و آماده شهادت بودند. بتدریج تعدادی نیروی امدادی نظامی فرارسید. درمقابل سیل خروشان مردم وجانبازان مسلحی که از ساختمان دفاع میکردند، مزدوران مهاجم، فرار را بر قرار ترجیح دادند.

حدود ۱۰و نیم‌شب، سخنگوی رادیو، که دیگر اضطراب اولیه را نداشت، در کمال آرامش و اعتماد بنفس پس از سپاسگزاری از مردم تبریز، اعلام کرد که خطر رفع شده، و از مردم دعوت کرد که بخانه‌های خود برگردند. بدین سان صفحه زرین دیگری بتاریخ‌حماسی ـ انقلابی مردم تبریز افزوده شد.

دیگر مسلم شده بودکه تبریز، تبریز چند ماه پیش نیست. توده‌های وسیع شهری، بخصوص زحمتکشان و اقشار پائین بازار و قاطبه روشنفکران، به‌خط ضدامپریالیستی و خلقی امام گرویده بودند. چند شب بعد که مصاحبه تلویزیونی از بیمارستان با زخمی‌ها انجام شده بود، همگی از مردم زحمتکش و از روشنفکران بودند: شاگرد تانوا، مکانیك، کارگر، دانشجو!

واقع تبریز نشان‌میدهد که جامعه‌درحال‌دگرگونی‌اساسی است. قطبی شدن نیروهای انقلاب و ضدانقلاب، بیش‌از پیش جنبه طبقاتی بخود میگیرد. دریك طرف توده‌های زحمتکش و اقشار پائین خرده‌بورژوازی و روشنفکران انقلابی، درطرف دیگر بورژواها، بورژوالیبرالها، چپ‌نماها، که به آن، تمام عناصر ضد-انقلابی و ساواکیهای آشکار و نهان پیوسته‌اند.

آقای غروی، استاندار آذربایجان،در مصاحبه خود با خبرگزاری پارس در دو-شنبه ۱۹ آذر از جمله چنین گفت:

«مدارکی داریم که اکثر فئودالهای مخالف، سرمایه‌دارها، ساواکیهای‌اخراج شده با این حزب (خلق مسلمان)همکاری داشته‌اند و گروههای دیگری که‌توجیه-کنندگان انقلاب شاه و ملت بوده‌اند، با این حزب همکاری دارند».

دوشنبه ۱۹ آذر، هیئت نمایندگی شورای انقلاب، دراین شرایط مساعد، برای پیروان خط‌امام خمینی، وارد تبریز میشود. بازار هنوز تعطیل است. گروه کوچکی از دانش‌آموزان و سایر اقشار برای تحت‌تاثیرگذاشتن هیئت‌نمایندگی، در خیابانها براه می‌افتند. آنها با اینکه فقط یك شعار میدادند و آن اینکه: «خلق جهان بداند، خمینی رهبر ماست، شریعتمداری مرجع تقلید ماست»، باز هم موفق نشدند بیش از ۱۵۰۰ نفر را جلب کنند. این‌گروه عکسهای امام‌خمینی و آیت‌الله شریعتمداری را حمل می-کردند. در گوشه دیگر شهر،یك‌گروه ۷۰۰ نفری شعارهائی صرفا بجانبداری‌از آیت‌الله شریعتمداری میدادند.

حدود ۲بعد از ظهر دوشنبه، درحالی که جمعیت چند هزار نفری جنازه دونفر از شهیدان شب‌قبل را حمل میکردند، گروه کوچك۵۰۰نفری با شعار تحریك-آمیز: «پاسداران تهرانی، اعدام باید گردد»، بطرف تلویزیون در حرکت بودند. این عده حتی موفق شدند بداخل ساختمان نفوذ کنند و مستقر شوند. با اطلاع از این‌خبر، برخی از جمعیت شرکت‌کننده در تشییع‌جنازه و همچنین دانشگاهیان، ساختمان تلویزیون را محاصره کردند. تحت فشار مردم،نیرو-های انتظامی محافظ رادیو-تلویزیون، مهاجمین را دستگیر کردند و به‌تحریکات خاتمه دادند.

بقیه درصفحه ٤

پیروزی موقتی ضدانقلاب در تبریز

قطعنامه، اصلاح ماده ۱۱۰ قانون اساسی، روشن شدن علت استعفای مهندس بازرگان، ازنخست وزیری،تعیین امام جمعه تبریز واستاندار و مقامات کشوری و لشکری با تائید آیت‌اله شریعتمداری، اخراج پاسداران‌غیربومی، رفع سانسور ازرسانه های گروهی را خواستار شد.

اینکه دراین هیروویرچنین قطعنامه‌ای ازکجا سردرآورد، البته «چندان مهم نیست»! اینکه چگونه اجتماعی را، که برای مخالفت باماده ۱۱۰ قانون اساسی دعوت کرده بودند، به طرح وتصویب اینهمه مسائل گوناگون، که تماما متوجه‌کسب قدرت وحاکمیت‌درآذربایجان بود، کشاندند، مسلما یك «تصادف‌ساده» بیش نبود! مانند «تصادف» و ارتباط «ساده وبی‌اهمیتی» که میان حادثه‌آفرینی شب قبل واقدامات روزبعد درتبریزوجود داشته است.

بنابنوشته روزنامه‌ها درروز ۱۷آذرماه «دراین اجتماع، همچنین مردم مهندس مقدم مراغه‌ای رابعنوان استاندار جدید آذربایجان شرقی اعلام نمودند. وهمچنین بهنگامی‌که چندتن ازدوستان سازمان باصطلاح انقلابی زحمتکشان کرد وارد این اجتماع شدند، مردم آنانرابه‌بالای سرخود بردند وباشعار «درود بربرادران کردما» ازآنان به‌گرمی استقبال کردند».

لازم بتوضیح است‌که ازچندروزقبل، چندین صدنفر ازاکراد وابسته بسازمان «کومله»، بدعوت حزب خلق مسلمان، وارد تبریز شده بودند وهتلهای تبریز مملو ازاین اکراد بود. تعدادی ازهمین اکراد درحمله مسلحانه به‌رادیوتلویزیون مستقیما دست داشتند. تمامی اینها عمق توطئه ورابطه حادثه آفرینی قم را با جریانات بعدی نشان میدهند.

رادیوتبریز، درساعت ۲و۴۵ دقیقه، برنامه سرتاسری راقطع میکند و اعلام مینمایدکه:

«ازاین پس ساختمان صدا و سیمای جمهوری اسلامی آذربایجان ـ مرکز تبریزدراشغال برادران واقعی آذربایجان، خط آیت‌الله‌العظمی شریعتمداری‌میباشد، وازاین ساعت ببعد تنهابه‌پخش‌اعلامیه‌های حزب جمهوری خلق مسلمان، شاخه تبریز ودیگر گروههای وابسته به آن اقدام خواهد کرد».

رادیو تبریز ازجمله پیام حسن نزیه رامبنی برمخالفت باقانون اساسی پخش کرد واین درحالی بودکه حزب خلق مسلمان، نزیه‌راکاندیدای‌ریاست‌جمهوری کرده بود!

بدنبال‌اشغال‌ساختمان رادیو-تلویزیون، افراد مسلح خلق مسلمان، استانداری، شهرداری، فرودگاه تبریز وسایر مراکز حساس راباشغال خود درآوردند.

چشنبه عصر، انقلابیون‌تبریز متحیر، غمگین و خشمگین بودند. چنین بنظر میرسید که ضدانقلاب با استفاده بسیار ماهرانه از حادثه‌ایکه خود درقم آفریده‌بود، بموفقیت‌بزرگی درآذربایجان رسیده است. رادیوها و خبرگزاریهای خارجی، که نمایندگان آن‌ها ازقبل به تبریزدعوت‌شده‌بودند، بخصوص‌بی‌بی‌سی وصدای نحس آمریکا بوجد و سرور آمده بودند. اخبار آذربایجان با غلو خاصی به جهانیان عرضه میشد. چنین بنظر میرسیدکه ضدانقلاب با باز کردن «جبهه دوم» در آذربایجان، درست در لحظه‌ای‌که مردم ایران درگیریك‌مبارزه حیاتی باقوی‌ترین قدرت جهان سرمایه-داری هستند، به تضعیف جدی رهبری امام خمینی موفق شده است. انقلابیون نگران‌اند. ضدانقلاب خوشحال است، خرسند ازاینکه امام وپیروان او موفق نخواهند شدکه درآن واحد هم با امپریالیسم خونخوار آمریکا بجنگند وهم گرفتاریهای آذربایجان رافیصله بدهند. ابرسیاه غم وخشم شهر انقلابی تبریزرا فراگرفته بود.

«خلق مسلمان»، که پیروزی مفت و کم زحمتی رابدست آورده بود،میخواست باتمام قوا آنرا تحکیم کند. حالا دیگر تظاهرات خیابانی وراه پیمائی و غیره «مخالف اسلام ومضربامنیت‌کشوراست!» ازساعت ۱۸ عصر پنجشنبه، اعلامیه«خلق مسلمان» مردم رابه آرامش دعوت‌میکند. ساعت ۹و۳۰ دقیقه شب، پیام تلفنی آیت‌اله شریعتمداری ازرادیو تلویزیون تبریز پخش شد، که ازمردم دعوت‌میکرد «ازتشنج واخلال درنظم پرهیز شده و باید سعی وکوشش نمائیم‌که امنیت‌کامل کشور برقرار گردد».

صبح جمعه، ۱۶آذر، ازرادیو اعلام میشودکه:

«نظر به وضع موجود واینکه مبادا عده‌ای فرصت طلب وعناصر ضدانقلاب ازاجتماع مردم درنماز جمعه سوءاستفاده بکنند، لازمست‌که مردم‌باهشیاری کامل مواظب باشند وبرای اینکه به انقلاب اسلامی لطمه‌ای وارد نیاید، ازاجتماع درمحل نمازجمعه خودداری کنند ومنتظر اوامر آیت‌اله شریعتمداری دراین زمینه باشند».

انقلابیون تبریز به مقابله می‌پردازند

ولی انقلابیون تبریز وسایر نقاط از آن بیدها نبودندکه ازاین بادها بلرزند. ازساعت ۲۱ پنجشنبه مردم تبریز پس پشت بامها رفتند، ندای الله‌اکبرسردادند وفریاد مرگ برآمریکا، مرگ‌برامپریالیسم برآوردند وخودرا برای نمازجمعه آماده می‌کردند.

علیرغم تبلیغات سوء رادیو تبریز وعوامل خلق مسلمان مبنی برتحریم نماز جمعه از جانب آیات عظام، ازساعت ۱۲ببعد، هزاران هزار زن ومرد تبریزی میدان نماز راپرکردند وبامامت آیت اله مدنی، نماینده امام خمینی در تبریز نماز جمعه رابرگزار نمودند. این نماز جماعت ازسیاسی‌ترین نمازهای بعد از انقلاب درتبریز بود. مردم باهم عهد و پیمان می‌بستند که توطئه‌های امپریالیسم وصهیونیسم رادر تبریز درهم خواهد شکست. شعارهائی نظیر: «ماهال کوفه نیستیم، خمینی»، «تاخون درگ ماست، خمینی رهبر ماست»، بیانگر اراده وخط سیاسی آنان بود.

رهبر انقلاب، امام خمینی، که‌بلافاصله متوجه توطئه وخطر شده بودند، ظهر پنجشنبه ۱۵ آذر بملاقات آیت اله شریعتمداری میروندودراعلامیه خودتاکید مینمایندکه:

«دراین موقع حساس‌که کشور عزیز واسلام بزرك روبرو باآمریکای خونخوار است، لازمست همه قشرهاباهم هماهنك وهمصدا درمقابل دشمن بزرك بایستند وفرصت بدست عمال اجانب وریشه‌های گندیده طرفداران رژیم سابق ندهند. برادران بدانید فاجعه‌ایکه درمنزل‌حضرت آیت‌اله شریعتمداری پیش آمد، بدست توطئه‌گران‌است‌که باید محکوم شود.»

دررهبری انقلاب ازطرفی‌به حساسیت واهمیت مبارزه‌ایکه باامپریالیزم آمریکا درجریان بود، وقوف کامل داشتند واز طرف دیگر هنوز به نیروی حزب خلق مسلمان درتبریز و آذربایجان پربها میدادند، لذا برای پایان دادن‌باین‌غائله آماده گذشتهای اساسی شده بودند.

باتوجه باینکه رهبری حزب خلق مسلمان موفق شده بودکه زیر پوشش نام آیت‌اله شریعتمداری تمام عملیات مخرب وفتنه انگیزانه وضدانقلابی خود راانجام بدهد، خطر این میرفت که با گذشتهائی‌که شده بود، تمام‌امورکشوری ولشکری، درآذربایجان بدست این حزب بیافتد. خطر تبدیل آذربایجان به‌تیول بود.

ولی آنچه دراین روز های تاریخی وبحرانی‌نقش اساسی راایفاء کرد، همان نیروی لایزال وخلاق توده‌هاوظرفیت وتوانائی انقلابی مردم بود، که در تمام مراحل ومقاطع مختلف انقلاب ما، در بحرانی ترین وسخت ترین لحظات، با ابتکارات وفداکاریها وجانبازیها، جنبش رانجات داده بودند.

ازصبح شنبه ۱۷آذر، اولین آزمایش تناسب قوا آغاز شد. بمناسبت شهادت پاسدار منزل آیت‌اله شریعتمداری، مجلس یادبودی درمسجد قزلی تبریز برگزار شد. دراین مراسم آیت‌اله مدنی نماینده امام، مهندس غروی استاندار آذربایجان شرقی، آیت‌اله حکیم آبادی نماینده آیت‌اله شریعتمداری در تبریز وگردانندگان حزب خلق‌مسلمان شرکت داشتند، یعنی پیروان هر دو گروه‌حضور داشتند، که با اولین‌دید،از طریق شعار-ها و پلاکاتها و عکسها، از هم متمایز میشدند. به آسانی قابل تخمین بودکه در مقابل ۲۰ تا ۳۰ هزار هوادارخط امام خمینی، هواداران حزب خلق‌مسلمان از ۲ـ۳ هزار نفر تجاوز نمیکردند. از طرف دیگر بازار تبریز بعنوان اعتراض باشغال ادارات و رادیو-تلویزیون تعطیل عمومی اعلام کرده و آشکارا و برای اولین‌بار بطوردربست به‌نیروی‌هوادار خط امام پیوسته بود.

انقلابیون پیرو خط‌امام، که از تظاهر پرشکوه نیروی خود بشوق آمده بودند، میتینك دیگری را برای روز بعد، یك-شنبه ۱۸ آذر، و یك راه‌پیمائی و ادای نماز وحدت در محوطه دانشگاه‌را تدارك میدیدند. این تصمیم که علیرغم دعوت به‌تحریم هرگونه راهپیمائی‌از جانب‌حزب خلق مسلمان، گرفته‌شده بود، یك‌صف-بندی آشکار نیروهای خط امام دربرابر حزب خلق مسلمان بود.

تناسب قوا در تظاهرات صبح شنبه آنچنان آشکار شد و چنان حیرت‌انگیز بود که طرفین مبارزه را به‌تفکر واداشت. نیروهای هوادار حزب خلق مسلمان، که احساس کرده بودندزمان و توده‌ها بنفع آنها کار نمیکنند، با اصرار مانع تظاهرات خیابانی، که‌بیانگر آشکارتر توازن قوا میتوانست باشد، بودند. آنها ازطرف دیگر میخواستند هرچه زودتر توافقهائی را که در بالا انجام شده بود، قبل‌از آنکه دیر شود، بمرحله عمل درآورند.

ولی نیروهای انقلابی هوادار خط امام خمینی ضربه غافلگیرانه روزهای اول را از سر گذرانده بودند وتظاهرات صبح شنبه، تعطیل بازار، اثر خود را گذاشته بود. اضافه بر آن، «دانش-جویان مسلمان پیرو خط امام»، همان شنبه‌شب، با افشاء سند همکاری‌مهندس رحمت‌اله‌مقدم‌مراغه‌ای با سفارت‌آمریکا، ضربه‌خردکننده‌ای به حزب خلق‌مسلمان و سایر همفکران و دوستان آن وارد کرده بودند. مقدم‌مراغه‌ای، نماینده این حزب در مجلس خبرگان و کاندیدای آنها برای استانداری جدید آذربایجان بود!

دیگر در رهبری انقلاب و نیروهای پیرو خط‌امام، عجله و تشویش اولیه از بین رفته بود. در ترکیب هیئت اعزامی‌به آذربایجان از جانب شورای انقلاب هم متناسب با وضع جدید تغییراتی داده‌شد. آقای بنی‌صدربجای‌آقای مهندس‌بازرگان ریاست هیئت را بعهده گرفت.

خیزش انقلابی توده‌ها و شکست ضدانقلاب

صبح یکشنبه۱۸ آذر، از همان اولین ساعات روز، دسته‌دسته زن‌و مرد بسوی مسجد حاج میرزا یوسف روی می‌آوردند. بزودی داخل مسجد و میادین و خیابان-های اطراف‌آن ازجمعیت موج میزند. به نوشته روزنامه‌های تهران چندین صد هزار نفر شرکت کرده بودند. پس از پایان سخنرانی آقای موسوی، رئیس دادگاه انقلاب اسلامی تبریز و آقای غروی استاندار آذربایجان‌شرقی، انبوه جمعیت، بماننده‌سیل‌خروشان، برای راه-پیمائی بطرف دانشگاه تبریز بحرکت درآمد. هواداران حزب خلق مسلمان برای جلوگیری از این راه‌پیمائی‌نیرو-های خود را، که بزحمت به دو هزار نفر نمیرسید، تجهیز کرده بودند. آنها با سد معبر و دادن این شعار که: «از سوی مرجع تقلید هرگونه راه‌پیمائی حرام است»، میخواستند جلوی حرکت جمعیت را بگیرند.

ولی وقتی جمعیت صدهاهزارنفری با مشتهای گره‌کرده بحرکت درآمد، در حالیکه همگی یك شعار: «هامی گرك بیر اولسون ـ آمریکا نابود اولسون»را میدادند، این‌گروه تاب مقاومت نیاورد و در مقابل چشمان کنجکاو مردم، مثل قطعه برف در زیر آفتاب سوزان آب‌شد و درامواج خلق محو گردید. بعدا آنها در گوشه‌ای از میدان جمع شدند و شعارهایی بنفع آیت‌اله شریعتمداری‌می-دادند.

پس از ادای نماز وحدت، توده شرکت‌کننده (علیرغم توصیه‌های حجت-الاسلام موسوی، که مردم را به آرامش دعوت کرده بود) بسوی رادیو-تلویزیون سرازیر شدند. محافظین رادیو-تلویزیون از حزب خلق‌مسلمان، وقتی این موج عظیم انسانی را دیدند، عده‌ای پا بفرار گذاشتند و بقیه را هم توده‌های مردم‌با دست‌خالی خلع‌سلاح کردند. بدین‌ترتیب ساختمان رادیو-تلویزیون، که چندروزی در دست عوامل حزب خلق‌مسلمان بود، بدست مردم انقلابی تبریز افتاد. همان شب بی.بی.سی با تاسف خبر داد، که هواداران خمینی رادیو را از دست«مردم» تبریز خارج ساختند!

در محوطه رادیو-تلویزیون هنگامه شگفت‌انگیزی از جوش و خروش،شادی و مسرت‌مردم برپا بود. اینجا رفقای توده‌ای ما همراه با مبارزان مسلمان، اسلحه‌های بجامانده را روی سر خود گرفته در محوطه می‌دویدند. آنجا دانش-جوی مسلمان، دانشجوی توده‌ای را با هیجان در آغوش‌گرفته میگفت: تبریك! رفیق توده‌ای عزیزم. جبهه متحد خلق در عمل و در مبارزه تشکیل شده بود.

آخرین تلاش‌های ضدانقلاب و شکست مجدد آن

پس جمعیت‌بطرف استانداری سرازیر میشود و آنجا را هم بدون خونریزی آزاد میکند. اما چند ساعت بعداز آن، افراد مسلح حزب خلق مسلمان باستانداری هجوم آوردند و دوباره استانداری را متصرف شدند. اصولاچون هواداران امام خمینی می‌خواستند کاربه زدوخورد مسلحانه بکشد، در اینمورد مقاومتی نکردند. فقط رادیو-تلویزیون را، چون اهمیت تبلیغی و تهییج‌زیادی داشت، در دست خود نگهداشتند.

اما ضدانقلاب آرام نداشت. شب هنگام در پناه تاریکی توطئه جدیدی‌در حال تکوین بود. گروههای مسلح خلق مسلمان، که ساواکیها و سایر عناصر و سازمانهای معلوم‌الحال نیز به آنها پیوسته بودند، بقصد تسخیر مجددرادیو-تلویزیون براه افتاده بودند. حدودهشت شب، ازطریق رادیو ـ تلویزیون اعلام شد که چون ساختمان توسط نیرو های

iran-archive.com

اخبار کارگری

کارگران کفش وین با شعار
مرگ بر آمریکا
حمله عوامل کارفرما را دفع کردند

کارخانه کفش وین، واقع در کیلومتر ۱۰ جاده کرج، حدود ۱۳۰۰ کارگر دارد. ازاین تعداد حدود سیصدنفر پس‌از انقلاب استخدام شده‌اند. با استخدام کارگران جدید تولید کارخانه افزایش یافت وهم‌اکنون مقداری از تولید کارخانه در انبارهای آن باقی مانده است.

کارگران، پس‌از انقلاب، شورای خود را تشکیل دادند. حقوق ماهیانه کارگران پیش‌از انقلاب بطور متوسط ۱۴۰۰ تومان بود و پس‌از آن روزانه حدود ۱۵ تومان افزایش یافت. با این حال جزسرپرست‌ها وکارمندان، هیچیك ازکارکنان کارخانه ازحقوق و امتیازمکفی برای تأمین حداقل معیشت خود برخوردار نیستند. ناهارخوری کارگران هم دوماه پیش تعطیل شد واینك با کوشش شورای کارگران مجدداً شروع بکار کرده است.

کارفرما ازسه‌ماه پیش تاکنون حقوق کارگران را پرداخت نکرده است. شورای کارخانه تصمیم گرفت تولیدات اضافی موجوددر انبادرا به‌فروش برساند ودستمزدکارگران را پرداخت کند. کارفرما کەدراین‌مدت‌حتی یك‌بارهم به‌کارخانه سرنزده بود، ناگهان‌واکنش نشان داد وروز ۵۸/۹/۱۹ واردکارخانه شد. عواملش را جمع کرد ویك جمعیت ۲۰۰ نفری مجهز درمحوطه کارخانه براه انداخت، که به‌کارگران حمله کردند. کارگران باشعارهای **مرگ بر آمریکا کارفرما عامل آمریکاست** درمقابل مهاجمین مقاومت کردند وسرانجام‌موفق شدند تعدادی ازمهاجمین را باکارفرما دستگیر کنند.

هم‌اکنون‌خودکارگران انتظامات کارخانه‌را عهده‌دارشده‌اند. کارگران‌مدعی‌اندکه چندتن ازدانشجویان پیروخط امام‌نیزدرکنار آن‌ها هستند.

کارگران برای تحقق خواست های خود میخواهند از کارفرما تعهدکتبی بگیرند ودرصورت لزوم از نماینده دادستانی نیزکمك بگیرند.

خواست‌های کارگران بطورعمده پرداخت حقوق عقب‌افتاده ومزایا، اجرای درست‌طرح‌طبقه‌بندی‌مشاغل‌وافزایش‌دستمزدیابقول خودشان ترمیم حقوق است.

در کارخانه گونی‌بافی قائم‌شهر

کارخانه گونی‌بافی‌قائم‌شهر درمجاورت کارخانه نساجی شماره ۲واقع درگونی‌بافی قائم‌شهر قراردارد. این کارخانه حدود ۸۰۰ کارگردارد که نزدیك به۱۰۰ نفرآن زن میباشند. حدود ۳۰۰ نفر ازاین کارگران بیشتراز ۳۰سال است که دراین کارخانه کار میکنند. کارگران این کارخانه در دوپست کار میکنند. پست اول ازساعت ۶ صبح الی ۲ بعدازظهر وپست‌دوم ازساعت ۲ بعدازظهر الی ۱۰ شب میباشد. درکارخانه دوکارگاه‌وجود داردکه ازقسمتهای مختلف‌تشکیل شده است. تولیدات این کارخانه‌گونی است که بعداز انقلاب بعلت کمبود مواد اولیه (کنف) نزدیك به‌یك سوم تولید اصلی آن کاهش یافته است. درحال حاضر به‌کارگران دستورداده شده است که بکندی کارکنند تامواد اولیه تمام نشود وکارخانه تعطیل نگردد. شورای‌کارخانه باتفاق دیگرمسئولان جهت مذاکره وتهیه‌مواداولیه بتهران رفته‌اند.

مواداولیه این کارخانه‌رامدتهادهقانان محلی‌تأمین‌میکردند. اما بعلت سوءاستفاده‌کارمندان «شعبه کنف» که مسئول‌تهیه مواداولیه کارخانه است کنف را به بهانه نامرغوبیت به نازلترین قیمت از دهقانان میخریدند. واین امر سبب شدکه دهقانان اندك‌اندك‌کشت کنف راکنارگذارند. تعدادکارگران دردوران قبل‌ازسال ۳۲ و مدتی پس‌ازآن بیشتربوده ودر ۳ نوبت کارمیکردند. چند سال‌پیش قراردادی بایك‌شرکت‌انگلیسی بسته‌شدوطی‌آن قراردشدتاماشینهائی درکارخانه نصب‌گرددکه موکت تولیدکند. اما متأسفانه ازابتدا تا کنون‌که این دستگاه کارگذاشته شده است فقط‌گونی عریض تولید میکند.

مشخص است‌که سیاست درهای باز رژیم طاغوت بازارهای داخلی ایران را مرکزفروش‌کالاهای‌کشورهای امپریالیستی نموده که درنتیجه آن تولیدات این‌کارخانه همچون‌کارخانه‌های مشابه در انبارها ذخیره‌گشت وبا ایجاد بحران، کارگران ازکاربرکنار شدند ویك نوبت ازکار، کارخانه حذف شد.

شرایط پرداخت وام‌مسکن بانك‌ملی برای زحمتکشان دشوار است

اخیراً بانك‌ملی اقدام به پرداخت وام مسکن نموده است. اگرفردی تقاضای ۲۰۰ هزارتومان وام‌بکند بانك‌ظاهراً موافقت میکند، ولی‌چنان شرایطی قائل میشودکه‌کمترکسی میتواندصاحب خانه‌شود. مثلا خود وام‌گیرنده باید ۲۰۰ هزارتومان داشته‌باشد تابانك قبول‌کندکه وام بپردازد. دررابطه بااین مسئله، مثلافردی ازطبقه زحمتکش، که‌بزحمت میتواند ۲۰هزارتومان تهیه‌کند وبه بانك‌بدهد، بااین‌امیدکه‌فرداصاحب‌خانه‌شود، بادویست‌هزارتومانی که بانك به او وام میدهد، وی نمیتواند خانه برای خود دست‌وپا کند. چون باید خانه‌نوساز باشد وبیشتراز ۵سال قدمت نداشته باشد. زیرا بانك‌میگوید تا۱۵سال آینده‌که مدت‌بازپرداخت‌بدهی فردبه‌بانك تمام میشود، قیمت‌خانه افت خواهدکرد وچون خانه‌تا پانزده‌سال درگرو بانك‌است واحتمال این است‌که وی‌نتواندبدهی خودرا به‌بانك بدهد بنابراین بانك ضررمیکند.

پس‌فردی‌که وامی به مبلغ ۲۰۰هزار تومان میگیرد، حداقل‌خود باید ۲۰۰هزار تومان به‌بانك نشان بدهد تا بانك با پرداخت وام‌موافقت‌کند. بعدازتحقیقاتی‌که ازچندین بنگاه‌معاملات ملکی انجام‌گرفت، عموماً گفته‌میشودکه باشرایط سختی که‌بانك ملی درپرداخت‌وام‌دارد، وام‌گیرندگان‌نمیتوانند خانه‌ای‌تهیه‌کنند. وبگفته این بنگاهها درروز دهها نفربه‌آن‌ها رجوع‌میکنند ولی به هیچ‌نتیجه‌ای نمیرسند جزاینکه وقتی‌هم ازآنها تلف‌میشود.

کارگران‌امیدوارندکه‌باترتیب جدیدعملیات بانکی‌واجرای

یاد کارگران شهید معدن ذغال سنگ زیرآب گرامی باد!

• کارگران مسلمان جوراب باف مشی اصولی حزب تودهٔ ایران را تحسین میکنند.

• ـ نامه‌ای به امضای پنج نفر از کارگران جوراب باف بازارتهران، برای «مردم» رسیده‌که متن‌آن چنین است:

«نویسندگان روزنامه «مردم» ، متشکریم.

بسمه تعالی

السلام علیکم. سلام من و دوستان بازاری‌ام که همه کارگر جوراب باف هستیم، به شما کارکنان و کارمندان و بخصوص نویسندگان خوشفکر و انساندوست روزنامهٔ محترم «مردم». من ازطرف پنج‌نفر کارگران جوراب بافی برای شما نامه می‌نویسم. ماچهارنفرمان پیرو انقلاب اسلامی وپیرو مکتب و خط امام بزرگمان، خمینی عزیز و بت‌شکن هستیم. یکی ازما پیرو حزب تودهٔ ایران است وروزنامهٔ «مردم» را میخرد. اومسلمان است ونماز میخواند، اما ازحزب تودهٔ ایران که یك حزب مردمی ومرد م‌دوست است وبه عقاید رهبرمان احترام می‌گذارد ، خوشش می‌آید. دوروز پیش، روزنامهٔ «مردم» را که دربارهٔ مسلمان‌نماها وضدانقلابیون «خلق مسلمان» مطلبی نوشته بود ، خواندیم. همه ما از طرفداری صمیمانه و آگاهانهٔ شما ازانقلاب اسلامی و امام خمینی تشکر می‌کنیم. شاید عده‌ای از شما معتقد نباشید، امامن بنابه سنن دین اسلام، برای همه شما دعا می‌کنم، به‌همه جوانانی‌که باروح پاك به صفوف شما پیوسته‌اند وبه مرشدان وبزرگان شما، چون آقایان کیانوری وطبری وغیره درود میفرستم. مزد شما نزد خدای اسلام باد.

ازطرف پنج کارگر»

«مردم» ـ مااز کارگران مسلمان جوراب‌باف صمیمانه تشکر می‌کنیم . آرزوی‌ماوهدف تمامی‌تلاشهاوکوششهای ما، وحدت کلیهٔ زحمتکشان در مبارزه علیه دشمنان استقلال و آزادی ایران وبرای ایجاد ایرانی نو، سعادتمند ، آزاد وآباد است. مااعتقاد صادقانه و بی‌شائبهٔ شمارا به رهبر بزرگ انقلاب ایران، **امام خمینی**، می‌ستائیم وخودبا تمام قوای خویش ازخط امام خمینی، از مبارزات پرارزش ایشان علیه امپریالیسم ووابستگان داخلی اووبسود زحمتکشان، پشتیبانی میکنیم.

• • •

پشتیبانی سندیکاهای رانندگان و کامیونداران گیلان شرق از دانشجویان مسلمان پیرو خط امام

رونوشت تلگرامی ازیکهزار نفر از رانندگان کامیون وکامیونداران وبنگاه‌های باربری منطقه گیلان شرق‌ـلنگرود، رودسر، کلاچای، لاهیجان ، آستانهٔ اشرفیه، به‌حضور **امام خمینی** ، به دفتر «مردم» رسیده است دراین تلگرام از اقدام انقلابی دانشجویان مسلمان پیرو خط امام‌درتسخیرلانهٔ جاسوسی‌امپریالیسم آمریکا ومبارزهٔ ملت ایران باامپریالیسم برای احقاق حقوق حقهٔ خود، اعلام پشتیبانی کامل شده است.

• • •

• پسر کریمی، دهقان مبارز و آزاده، براه پدر میرود

• ـ **یوسف کریمی**، فرزند کوچك **کریمی**، دهقان مبارز توده‌ای از قریه گلدستهٔ شهریار است. پدر یوسف، در راه آرمانهای حزب خود وبخاطر دفاع ازمنافع دهقانان زحمتکش، سال های متمادی مبارزه کرد، به زندان افتاد و بدست جلادان شاه مخلوع شهید شد. خاطرهٔ وی هم‌اکنون درقلوب دهقانان منطقه زنده است. روستائیان این منطقه مباهات می‌کنند که ازبین آنها چنین مبارزی برخاسته است.

پسر اویوسف کریمی، درنامه‌ای‌که برای «مردم» فرستاده است، می‌نویسد: «من یوسف کریمی ازقریهٔ گلدستهٔ شهریار، پیرو مکتب حزب تودهٔ ایران هستم‌که درراه طبقهٔ محروم این آب و خاك قدم برمیدارد. برای من مایهٔ بسی خرسندی است‌که در راه ارانی‌ها ، خسرو روزبه‌ها، حکمت‌جوها وکریمی‌ها قدم برمیدارم وبدون شك راه پدررا تا آخرین قطرهٔ خون خود ادامه خواهم داد.»

اودر پایان نامه‌اش، شعری برای ما فرستاده‌که مطلع‌آن چنین است:

«ای سر برآسمان وپابردریا / ای همیشه آهنگ حق وآزادی/ ای‌شکوفهٔ بودن وزیستن/ ای غریوشادی انسانها».

• • •

• یادکارگران شهید معدن ذغال‌سنك زیرآب، گرامی باد !

• ـ روز ۱۲ آذر مصادف باسی‌امین سال‌روزحملهٔ دژخیمان پهلوی‌به‌کارگران مبارز وزحمتکش معدن ذغال‌سنك زیرآب وشهادت **طاهر زنوزی** بدست ماموران سروان لشکری وروز ۱۸ آذر مصادف باشهاد **احمد وصالی زنوزی** کارگر قهرمان معدن بارای دادگاه صحرائی زمان جنك، به ریاست سرهنك شریلو بود. بجاست‌که یاد این شهدای قهرمان طبقهٔ کارگر ایران راگرامی بداریم.

ازآقای یزدانی‌که باتلگرام خود، این مهم رابما یادآوری نمودند، صمیمانه متشکریم.

• • •

• شعر

جاسم، قطعه شعر دیگری برای ما فرستاده است:

این/ آخرین فصول کهنه‌کتاب‌چهاول است!/ پرینه دستهای تودهٔ زحمتکش جهان/ آنسان‌که مارکس گفت:/سرمایه رابه گور تباهی کشانده است!/

تاخیمه‌گاه سرخ رهایی بپا شود / رزم سترگ مردم هربوم وهردیار / صدهاهزار/ جبهه زدشمن‌گشاده‌است!/ واینك/ غریوهلهلهٔ رنجدیدگان/پایکوب وگل‌فشان/ برکام‌تلخ‌ستمدیدگان دهر/ شهد ظفرنمون سحرراچشانده است!/

مافاتحان قلهٔ این آخرین نبرد/ با دشمنی/ که سراز گور کرده اوبلند،/ رزم‌آوریم/ تاخصم بشکنیم!/ همرهان خویش را/ عهد نشکنیم!/

زبیده ـ ح ازسقز، ك ـ دریساوی ، ابراهیم.ا. نیز اشعار خودرا برای ما فرستاده‌اند. ازهمه‌دوستان تشکرمی‌کنیم.

مردم و مردم

انقلاب و ضدانقلاب در تبریز

بقیه ازصفحه ۳

از یکشنبه عصر، دیگر هیچ حزب خلق مسلمان‌بکلی باز شده بود. بتدریج موج نامه‌ها از طرف روحانیون، مراجع تقلید، سازمانهای سیاسی و جمعیت‌ها بجانب آیت‌الله شریعتمداری سرازیر میشود، که در آنها انحلال این «حزب» را خواستار بودند. در اردبیل ۶۰۰۰ نفر اعضاء این «حزب» استعفای دسته‌جمعی میدهند، که زیر طومار امضاها را مسئول محلی حزب خلق مسلمان هم امضاء کرده بود.

شکست نهایی ضدانقلاب و علل آن

حزب خلق مسلمان به تلاش خود ادامه‌میدهد. این «حزب» که به بی‌پایگی خود درمیان مردم تبریز پی برده بود، دست به تجهیز دهات و شهرك‌های اطراف میزند. همه عناصر ضد انقلابی و ارتجاعی‌بیاری‌او می‌شتابند. گردانندگان این «حزب» بدهات سرازیر میشوند و با پخش اکاذیب و تحریك، با فریب و تطمیع، تظاهرات بزرگی را روز پنج‌شنبه ۲۲ آذر در تبریز براه میاندازند. حزب خلق‌مسلمان باین ترتیب به‌نمایش قدرت می‌پردازد و بظاهر از این آزمایش موفق بیرون می‌آید.

کسانیکه روز شنبه ۲۴ آذر اعلامیه این «حزب» را دایر بر بستن تمام‌دفاتر و «توقف فعالیت حزب، تا زمان ایجاد شرایط مساعد» شنیده ویا خوانده‌اند، به‌تعجب میافتند. این سئوال پیش می‌آید: پس چگونه حزبی که دو روز پیش موفق میشود بیش از ۱۰۰ هزارنفر را درمیدان نماز تبریز جمع کند، باین سادگی و «داوطلبانه» چنین تصمیمی را میگیرد!؟

حقیقت اینستکه این یك نمایش‌قدرت واقعی نبود. در تبریز و شهرهای مهم آذربایجان (نظیر ارومیه و اردبیل) این حزب دیگر پایگاه توده‌ای ندارد. یك بار میشود با دروغ و حیله و تحریك احساسات و صرف پولهای هنگفت و با سوءاستفاده ازاعتقادات مذهبی وعلاقه‌شان بمراجع تقلید، اقشار کم‌آگاه دهات و شهرهای کوچك را بمیدان کشید. ولی همیشه چنین کاری‌ممکن‌نیست. ارتباط رهبران این «حزب» با افرادی نظیرمقدم مراغه‌ای و نزیه و دیگر عناصر مشکوك و ضدانقلابی، ضربه سنگینی باعتبار این «حزب» وارد آورد. تلاش این «حزب» برای اینکه خود را پیرو آیت‌الله شریعتمداری قلمداد بکند و از نفوذ معنوی ایشان برای جلب توده‌هااستفاده نماید، باعتبار ایشان هم بعنوان مرجع تقلید صدمه وارد میکرد. بهمین مناسبت آیت‌الله شریعتمداری در اعلامیه و مصاحبه خود، از آن فاصله گرفت.

تصمیم این«حزب» برای متوقف‌ساختن فعالیت خود، اعلان شکست عوامل‌بورژوا لیبرال در تهاجم مشخص هفته‌اخیرشان در تبریز و آذربایجان بود. این حادثه بسیار مهم است. بعد از اشغال لانه جاسوسی آمریکا بدست دانشجویان مسلمان‌پیروخط **امام‌خمینی**، که‌در حقیقت تشدید وتعمیق مبارزات ضدامپریالیستی و درعین حال بیانگر تشدید مبارزه‌طبقاتی ناشی از آن‌بود، و منجر بسقوط دولت بازرگان گردید، این دومین پیروزی انقلاب و موفقیت پیروان خط‌امام بود، که بدنبال خود تضعیف مواضع نیروهای بورژوالیبرال و ضدانقلاب را دربرداشت.

میتوان بجرات گفت که نیروهای بورژوا ـ لیبرال و ارتجاع و ضدانقلابیون در نمونه حزب خلق مسلمان، در واقعه تبریز شکست جدی خوردند. اما هنوز این یك شکست موقتی و موضعی است و مسلما در آینده با شکل دیگر و از جای دیگر سر بلند خواهند کرد. آنها در حقیقت در یك نبرد شکست‌خورده‌اند، ولی هنوز جنك را نباخته‌اند. اشتباه خواهد بود اگر به‌نیروی این گروهها، که انعکاس عینی از طبقات و نیروهای اجتماعی موجود در جامعه هستند، کم‌بها دهیم. تجربه نشان داد که حزب خلق مسلمان هنوز از امکانات تحریك و حادثه‌آفرینی برخوردار است.

در قدر انقلاب ایران عمیق تر شود، تقسیم‌بندی طبقات و اقشار اجتماعی در قطبها شدیدتر خواهد شد ومقاومت نیروهای بورژوا لیبرال وضد انقلابی وعکس‌العمل آنهاشدت خواهد یافت. تنها راه غلبه براین نیروها، اتحاد وآگاهی مردم انقلابی است.

این جمع بندی وارزیابی ازوقایع تبریز راباآخرین‌کلام ژولیوس فوچیك ، انقلابی چك، که درزیر چوبه دار فریاد زد:

«مردم هشیار باشید!»

پایان می‌دهد

خواست‌های کارکنان صنعت کشباف

کارکنان صنعت کشباف طی شکوائیه‌ای به وزیر مشاور مینویسند:

«ماکارکنان‌صنعت‌کشباف اخیراً براثر نفوذ سرمایه‌داران رژیم منفورسابق باموانع واشکالاتی درصنف خود روبروهستیم، که احتمال بیکاری وسرگردانی، قریب‌به ۲۲۰۰۰ کارکنان این صنف را تهدید میکند.

دردوران طاغوت نخ موردنیازصنف‌کشبافی ایران توسط کارخانه نازنخ با ظرفیت ۳۰ تن در روز و همچنین‌کارخانه‌های، آکریلتاب، شهشهانی، یارلون، تیم، مه‌نخ، فرنخ، وساکامجموعاً با ظرفیت ۳۰ تن درروزتأمین میشد. ولی بعد ازپیروزی انقلاب اسلامی ایران، کارخانه‌های دسته دوم، بنابرادعای مدیران آنها، اکثراً بدلیل مشکلات فنی تعطیل شده ویا باتولید ناچیرفعالیت مینمایند وکارخانه نازنخ‌که قبلا باظرفیت ۳۰ تن درروز فعالیت مینمود، ظرفیت خودرابه ۳ تن درروزکاهش داده وبراثرتحقیقاتی که بعمل آورده‌ایم، حتی‌همین ۳ تن نخ‌را نیز بطورکامل به بازار عرضه نمیکند. سابقاً فروش‌نخ توسط این‌کارخانه به‌طورنقدواقساط انجام وجنس بلافاصله تحویل میشد، ولی امروزفروش نخ بطور نقدی پس ازدریافت‌مبلغ مزبوردرمدت ۲ ماه‌نخ‌دلخواه خودشانرا بما تحویل میدهند.

اخیراً باکشف یك‌انبار نخ احتکار شده توسط‌این‌کارخانه، کلیه سفارشات مدت‌دار بالاجبار بلافاصله تحویل‌گردیده است. مدیرعامل‌ویکی ازشریکهای‌کارخانه مزبور مدعیست‌که علت‌کاهش تولیدنخ، اخراج قریب به۴۰۰کارگر وتکنیسین‌کره‌ای وکارشکنی عده‌ای ازکارگران ـ اخلالگر ـ ایرانی بوده ومدعی‌است درصورت تصفیه وپاکسازی محیط‌کارخانه ازعناصر محرك، حاضراست بامواد اولیه موجود درکارخانه تاپایان سال جاری بدون احتیاج به مواد اولیه جدید باظرفیت ۳۰تن درروز تولیدنماید. علیهذا جون‌صنف ماازنظر تولید تریکو درقبال مشتریان داخلی وکشورهای‌اروپای شرقی، خصوصاً شوروی، دارای تعهداتی میباشد، لذا بی‌توجهی‌به تأمین نخ‌موردنیاز صنف‌ما، جدا از ایجاد بیکاری ومحیط نا آرام بهره‌برداری عوامل ضدانقلاب، ضربه جبران‌ناپذیری به بازار صادرات‌ما درکشورهای اروپای شرقی وشوروی واردخواهدساخت. لذا ازحضور آن مقام محترم صمیمانه خواستاریم، بفوریت در این زمینه‌انقلابی عمل‌نمایدوتکلیف هزاران‌کارگروصدها ماشین‌کشبافی نیازمند نخ‌را ازطریق نظارت‌وبررسی وضع‌کارخانه نازنخ خصوصاً برای‌ما روشن نمایند.»

کارگران پیمانی حمل‌ونقل وابسته به‌شرکت نفت‌مسجدسلیمان از اشغال لانه جاسوسی امپریالیسم‌امریکا پشتیبانی کردند

این اطلاعیه بدفتر «مردم» رسیده است:

«ماکارگران پیمانی حمل‌ونقل وابسته به‌شرکت نفت مسجد سلیمان، اشغال سفارت امپریالیسم خونخوار جهانی امریکا را،که پاسخ به‌ندای رهبرانقلاب **امام‌خمینی** وخواست خلقهای‌زحمتکش ایران است، ازطرف فرزندان وپیروان خط امام خمینی و امپریالیسم امریکا دشمن خود میدانیم وازدانشجویان‌مبارز ومسلمان پیرو خط امام پشتیبانی میکنیم واعلام‌میداریم‌تاآخرین قطره خون خود آماده جان‌بازی در راه **امام خمینی** و انقلاب اسلامی ایران‌هستیم.»

منتشر شد

● **گئومات**
(نمایشنامه تاریخی)
احسان طبری

رفقای حزبی! هواداران و دوستداران حزب!

اسناد حزبی (اعلامیه‌ها، بیانیه‌ها و...) منتشره‌در «مردم» ارگان مرکزی حزب تودهٔ ایران‌را، با استفاده ازتمام‌امکانات، به‌وسیع‌ترین‌شکل تکثیر کنیدوبه‌توده‌های مردم برسانید. در شرایط حساس‌کنونی این یك وظیفه مبرم انقلابی

دادگاه انقلاب رشت قاتلان ۵ رفیق توده‌ای را محکوم کرد

قاتلان ۵ رفیق شهید توده‌ای بعد از ۴ روز محاکمه در دادگاه انقلاب‌اسلامی رشت به حبس‌های ۴ سال تا ابد محکوم شدند.

براساس رای دادگاه که ساعت ۷ دیشب بعد از ساعت‌ها شور صادر شد، قاتلان رفقای توده‌ای ما باین ترتیب محکوم شدند:

۱ـ پاسبان محمد استادنویدی با یك درجه تخفیف به حبس ابد

۲ـ محمدابراهیم تارخ معروف به‌خوخا به ۱۵ سال زندان

۳ـ پاسبان حسن مهرگان به ۱۰سال زندان

۴ـ پاسبان محمد چرخچی با توجه به کهولت سن به ۵سال حبس

۵ـ استوار حسین کاظمی به ۲ سال حبس. نامبرده با توجه به فرمان امام آزاد شد.

دادگاه انقلاب اسلامی رشت، طی سه روز به پرونده ۶ مامور رژیم سابق که در بیست‌وسوم اردیبهشت ماه سال۱۳۴۳ رفقا: محمدتقی اقدام‌دوست فومنی، علی بلندی صومعه‌سرائی، هرمزنیك‌راه‌رشتی، محبت‌خواه رشتی و سبزعلی محمدپور را به‌شهادت رسانده‌اند، رسیدگی کرد.

دادستان دادگاه انقلاب اسلامی رشت در کیفرخواستی که برای متهمان زیر: ۱ـ استوارحسین کاظمی، ۲ـپاسبان محمد استاد نویدی (مشهور به نودهی) ۳ـ پاسبان‌محمدابراهیم‌تارخ(معروف‌به خوخا) ۴ـ پاسبان حسن مهرگان ۵ـ پاسبان محمدهم‌دوست معروف به چرخچی ۶ـ پاسبان محمدگالش صادر کرده بود از ماجرای شهادت رفقای توده‌ای پرده برداشت:

«پس از کودتای ننگین سال ۱۳۳۲، رژیم سلطنتی‌دست‌نشانده استعمارآمریکا برای آنکه‌ارکان متزلزل‌سلطنت تحمیلی را تحکیم بخشد دست به کشتارآزادی‌خواهان و مبارزان راه حق زد و برای تحقق بخشیدن بدین مقاصد پلید به ننگین‌ترین توطئه‌ها توسل جست و وقایع ناگوار و دردناکی در نقاط‌مختلف ایران بوجود آورد و ازجمله این‌وقایع جنایت‌بار واقعه‌ای که در زندان‌شهربانی رشت با تدارك‌قبلی به‌شرح زیر صورت گرفته است. در تاریخ ۲۳ اردیبهشت‌ماه ۱۳۳۳ که‌مصادف با ماه‌مبارك رمضان‌بود درحالی که درحدود چند نفر زندانی عادی و سیاسی در زندان شهربانی رشت در بند بودند طرحی برای حمله به زندانیان بخصوص زندانیان سیاسی ریخته میشود. بعنوان اینکه در زندان داخلی که محل نگهداری عده‌ای از زندانیان سیاسی بود باید در ساعت۱۰ شب درهای سلول‌های چهارگانه بسته شود و زندانیان در داخل سلول‌ها بیتوته نمایند به آنان تکلیف کردند که‌محوطه زندان را ترك نمایند. زندانیان به لحاظ آنکه هوا گرم بود و زندان فاقدوسایل رفاهی بود بدین‌دستور زندانبانان‌اعتراض کردند. مقامات زندان به بهانه همین اعتراض درصدد اجرای نقشه و برنامه خود در زمینه تنبیه و تار ومار کردن زندانیان سیاسی برآمدند. لذا استوار حسن کاظمی افسر نگهبان به معیت پاسبان‌های زیر: ۱ـ محمد تارخ‌معروف به خوخا ۲ـ محمد گالش ۳ـ محمد کاردی ۴ـ میرحسین مسدنی ۵ـ حسن مهرگان ۶ـ محمداستادنویدی معروف به نودهی وارد زندان داخلی میشوند و با صدای بلند دستور احضار اقدام دوست و رادمنش و علی‌بهبود را می‌دهند.توضیح اینکه زندانیان که قبلا به توطئه‌جنایت‌کارانه آنها پی برده بودند برای‌آنکه راه‌بهانه را مسدود سازند حیاط‌زندان‌را ترك‌کرده و به سلولهای خود رفته‌بودند و چون در این موقع با استقراریاسبانها در پشت‌بام و اطرافزندان و آمادگی‌آنان برای ارتکاب جنایت زندانیان احساس خطر می‌نمودند، مانع خروج آنان می‌گردند. دراین موقع پاسبان نودهی که در پشت بام حیاط‌داخلی قرار داشت‌پنجره سلول اول را هدف قرار داده و به‌داخل آن تیراندازی می‌نماید که در نتیجه محمدتقی محبت‌خواه با اصابت گلوله‌به مغزش از پای درمی‌آید و شهید میشود. محمدتقی اقدام‌دوست که‌جریان را بدین صورت می‌بیند اظهار میدارد که‌قصد زندانبانان نابودکردن من است. من‌می‌روم تا دیگران در امان‌بمانند و ازسلول خارج میشود، اما هنگام عبور از زندان داخلی همینکه جلوی قهوه‌خانه زندان میرسد، پاسبان حسن مهرگان که قبلا کمین‌کرده بود سماور بزرك کافه‌زندان رابرداشته و محکم بر فرقوی می‌کوبد. اقدام‌دوست با این ضربت از حال‌میرود و نقش بر زمین‌میشود. حسن‌مهرگان و محمد تارخ با لگد آنقدر بر سر و سینه و شکم و بیضه‌او می‌کوبند که نیمه‌جان میشود و چون دراین‌موقع‌از فرط شکنجه و ناراحتی مطالبه‌جرعه‌ای‌آب از شکنجه‌گران می‌نماید محمد گالش و محمد تارخ بجای آب به‌دهان وی ادرار می‌کنند. جلادان آنقدر به شکنجه‌واعمال ناشایست خود ادامه میدهند تا اقدام‌دوست براثر این اعمال به شهادت می‌رسد. این ماجرا علاوه بر شهدای‌مذکور سه‌نفر به نامهای علی بلندی به دست پاسبان محمد تارخ و محمد هرمزنیك‌راه و سبزعلی محمدپور با مباشرت وشرکت جنایتکاران منعکس در این کیفرخواست به شهادت میرسند و چهل و پنج نفر دیگر از زندانیان بیگناه نیز مجروح و مصدوم میشوند» دادستان آنگاه براساس دلایل متعدد ازجمله «مندرجات یادنامه شهدای زندان رشت منتشره از طرف کمیته ایالتی تهران ـ حزب توده ایران مورخ خرداد۱۳۳۳» برای‌متهمان تقاضای صدور حکم کیفری کرد.

در جلسات دادگاه وکلای بازماندگان شهدا سخن گفتند. از جمله دکتر مهدی مرادی یکی از وکلا گفت: «بر کسی پوشیده نیست که‌مبارزات اجتماعی اعضا و هواداران حزب توده ایران در سراسر مملکت به‌سبب مخالفت و مبارزه با بی‌عدالتی و لغو امتیازات نامشروع طبقاتی و رفع استثمار انسان از انسان در داخل کشور و رفع مطامع و تاراج ثروتهای میهنی خود بوسیله استعمارگران خارجی یعنی همان امپریالیستهای خونخوار به سرکردگی امپریالیسم خونخوار امریکا بود. در حقیقت این انسانهای شریف و فداکار مانند بسیاری از هموطنان‌خودشان از گذران زندگی رقت‌بار خود وعائله‌شان چشم‌پوشیده و رنج بیغوله‌های‌مخوف زندانها را بر خود هموار ساختند تا چون شمعی بسوزند و فنای آنان هستی‌بخش زندگی هم‌میهنانشان باشد. آیا پاداش اینهمه فداکاری و ایثار این‌بود که‌مشتی دژخیم با سلاحهای سرد و گرم به‌آنان حمله کنند و آنان را مقتول و مجروح و مضروب سازند و شکنجه نمایند؟»

در جلساتی بعد دادگاه شهود سخن گفتند و آنگاه نوبت به خانواده شهدا رسید. پدر شهید علی‌بلندی گفت:

«من ۲۶ سال به انتظار چنین روزی نشستم که بیایم در یك دادگاه شرکت کنم و قاتلین بچه‌ام را از نزدیك ببینم و به‌آنها بگویم که ۲۵ سال است که لباس سیاه به‌تن دارم. فرزند شهیدم‌تنها کسی بود که‌خرجم‌رامی‌داد. من‌ازدادگاه میخواهم‌که متهمین را به سزای‌اعمالشان برساند. من فقط همین یك پسر را داشتم. چرا باید آن مبارز را می‌کشتند؟ من تا نفس آخر همین‌راه را ادامه می‌دهم. تا نفس آخر: زنده باد«ملت‌ایران‌ـ زنده‌باد امام‌خمینی ـ زنده و جاوید باد حزب توده ایران»

خانواده شهید علی بلندی در دادگاه

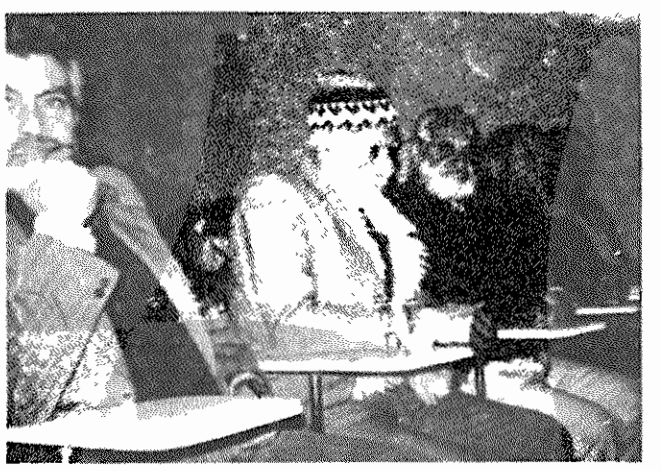

قاتلان محکوم شدند. ازچپ به راست: استوارکاظمی ، ابراهیم تارخ ، محمد هم‌دوست ، محمد استاد نویدی، حسن مهرگان

تشکر از رئیس،دادستان‌و منشی‌دادگاه

براساس گزارش خبرنگاران «مردم» از رشت، در تمام جلسات محاکمه قاتلان ۵ شهید توده‌ای، رئیس دادگاه انقلاب اسلامی رشت، حجت‌الاسلام‌رهبر، علاوه بر هدایت عادلانه دادگاه، بارفتاری که‌درخور انقلاب بزرك ایران است، به شهود و خانواده شهدا اجازه شرکت در دادگاه را داد و خبرنگاران‌از جمله‌خبرنگاران «مردم» اجازه داشتند آزادانه در دادگاه‌حضور یافته و جریان‌آنرا منعکس کنند.

در این رفتار دوستانه و عادلانه، دادستان دادگاه آقای دکتر رضوی و منشی دادگاه آقای محمدی هم شرکت‌داشتند.

«مردم» از این حسن‌نیت گردانندگان دادگاه انقلاب اسلامی رشت صمیمانه تشکر میکند.

پشتیبانی اعضای آمریکائی کمیته ائتلافی حمایت از مردم ایران از امام خمینی

دیشب **اعضای آمریکائی** «کمیتهٔ انقلابی حمایت‌ازمردم ایران» دریك مصاحبه مطبوعاتی شرکت کردند. دراین مصاحبه‌که در آمفی‌تاتر دانشکده ادبیات دانشگاه تهران برگزارشد سه نماینده‌که یکی‌ازآنها مسلمان‌هم بود شرکت داشتند آنها گفتند ما شدیداً مخالف‌سیستم امپریالیسی آمریکاهستیم‌ودرمورداشغال‌سفارت ازاین‌عمل قاطعانه پشتیبانی میکنم. برای‌ما موضع قاطعانه امام‌خمینی‌درمبارزه بادولت‌امریکا قابل تحسین‌است وماخوددرایکی ازپیروان‌امام‌خمینی‌دراین‌مبارزه می‌دانیم. آنها ضمن محکوم‌کردن بعضی ازخبرنگاران خارجی‌که انقلاب‌ایران‌را وارونه‌جلوه‌میدهند متذکرشدندکه آمریکا وعوامل وابسته به‌آن سعی‌میکنندکه از وضع موجودبنفع‌خودبهره‌برداری کنند. بعضی‌ازخبرنگاران‌خارجی که با«سیا» رابطه مستقیم دارند درسوءاستفاده ازاین اوضاع به آمریکا کمك میکنند. سیستم آمریکا باعوض‌شدن افرادبعنوان رئیس جمهور قابل تغییر نیست. چون این افراد باداشتن افکار مختلف باهم درجمع،یك هدف را دنبال میکنند شاه‌یك جانی بوده ودولت آمریکا ازاین‌جانی‌حمایت کرده و مردم ایران حق‌دارندیك چنین مبارزه شدیدی راشروع کنند.

نمایشگاه‌عکس

امپریالیسم و مبارزه خلقها علیه‌آن

مکان: شهرری ـ انتهای خیابان ۲۴متری‌مجتمع آموزشی زکریای رازی

ـ دانشسرای‌راهنمائی‌شهرری

زمان: ازدوشنبه ۵۸/۱۰/۲ همه‌روزه‌از۹صبح تا۵بعدازظهر، ورود برای‌عموم آزاد است

دانشجویان هوادار حزب‌تودهٔ ایران
دانشسرای راهنمائی‌شهرری

دوستان و دشمنان خلق افغانستان

روزنامه پراودا ارگان‌کمیته مرکزی حزب‌کمونیست‌اتحاد شوروی اکاذیب امپریالیستهارا درمورد باصطلاح مداخله شوروی‌در افغانستان محکوم‌کرد. پراودا نوشت همکاری برابر حقوق اتحاد شوروی‌وافغانستان خشم‌دشمنان‌انقلاب مردم افغانستان‌را برانگیخته است و محافل امپریالیستی تلاش دارند افغانستان را از دوستان واقعی خود محروم سازند. اکنون این سازمان جاسوسی سیا وچین هستندکه درافغانستان مداخله میکنند. حتی نشریه‌کانتراسپای‌اعلام کرده است جاسوسان سیا ضدانقلابیون‌افغانی‌را درپاکستان‌آموزش میدهند ودریك ایالت چین‌نیز شورشیان افغانی تحت‌آموزش قرار دارند. لازم به‌تذکر است‌که رسانه‌های گروهی امپریالیستی با نشر اکاذیب مربوط به باصطلاح مداخله شوروی و«تهدید شوروی»سعی دارندافکار عمومی را ازمداخله‌آشکارسیا درافغانستان‌وتحریکات نظامی امپریالیسم آمریکا دراقیانوس هند وخلیج‌فارس که خطری جدی برای خلق‌های منطقه است منحرف‌کنند.

پایان سفررئیس جمهور آنگولا به‌اتحاد شوروی

ژوزه ادواردودوش سانتوش رئیس جمهوری آنگولا به مذاکرات خود درمسکو بارهبران اتحاد شوروی پایان داد. در بیانیه مشترکی‌که درپایان مذاکرات منتشر شد «دوکشور اعلام کردند ماتورهای امپریالیستها ونژادپرستان رادر افریقا محکوم کرده وازمبارزه خلقهای‌افریقا علیه استعمار، نژادپرستی وامپریالیسم حمایت‌میکنند. رهبران اتحاد شوروی وآنگولا توافق‌های کمپ‌دیویدوهمکاری کشورهای‌غربی بانژادپرستان آفریقای‌جنوبی را محکوم‌کرده وسیاست‌رهبران مائوئیست چین رادر جنوب‌شرقی آسیاخطرناك دانستند. درجریان اقامت رئیس‌جمهوری آنگولا در اتحادشوروی چندموافقت‌نامه همکاری‌ازجمله‌موافقت‌نامه‌های‌مربوط به‌کمك‌هرچه بیشتر اتحادشوروی به‌توسازی آنگولا وهمکاری‌میان حزب کمونیست اتحاد شوروی و حزب مپلا (کار) آنگولا امضا شد.

بلغارستان سوسیالیستی ازمبارزه ضد امپریالیستی مردم ایران پشتیبانی میکند

در روزنامه ارتش ملی بلغارستان مقاله‌ای زیر عنوان «آمریکابایدبی‌آمدهای‌سیاستهای خودعلیه‌کشورهای انقلابی‌رادرك کند» در مورد بحران سیاسی روابط ایران و آمریکا انتشار یافته است.

در این مقاله آمده است‌که دولت ایالات متحده آمریکا علیه ایران جنایات فراوانی مرتکب شده‌است. دولت‌آمریکا نمیخواهد پی‌آمدهای ۲۵ سال مداخله در اموردداخلی ایران راقبول‌کند و میکوشد بحران‌روابط دوکشور را تشدیدکند ومغرضانه تلاش دارد این بحران رابه یك مسئله یعنی جریان‌گروگانگیری‌محدود سازد. در حالیکه گروگانگیری بخش‌کوچکی‌ازاین‌بحران را تشکیل میدهدکه نتیجه‌جنایات‌و مداخله مستمر و سالیان دراز آمریکا دراموردداخلی ایران است. در این مقاله خاطرنشان شده‌است‌که‌اگرچه‌درشرایط‌بغرنج وانفجاری فعلی به‌سختی میتوان سیرتحولات در این بحران را پیش‌بینی‌کرد، امایك مطلب‌کاملا روشن است و آن‌اینکه آمریکا باید عواقب سیاستهای خود علیه منافع‌خلقهائی‌راکه‌بخاطر استقلال ملی وپیشرفت‌مبارزه میکنندرك کند.

بزرگداشت خاطره علی‌امید...

بقیه ازصفحه ۱

وضعی شکنجه دادند . سربازان محافظ زندان نقل‌قول می‌کردندکه جواب علی به‌شکنجه‌گران یك‌کلمه بود، **«زنده‌باد کارگر»**

رفیق شناسائی، درقسمتی‌دیگر ازسخنانش دربارهٔ مبارزات‌صنفی وسندیکائی علی‌امید، گفت،

«اعتصابات عظیم کارگران آبادان وسپس آغاجاری دربهارسال ۱۳۲۵ که منجر به‌تصویب نخستین قانون‌کارشد. همچنین اعتصابات ۲۳ تیرکه‌برای‌اجرای‌قانون‌کاروإخراج‌استاندارنوکر انگلیس صورت‌گرفت کارگران سرتاسر مناطق نفت‌خیز تحت رهبری شورای متحد وعلی امید دراین اعتصاب شرکت کردند. سرانجام شرکت نفت مجبور به‌پذیرش تمام خواست‌های‌کارگران شد. پس‌ازسرکوبی نهضت‌دموکراتیك آذربایجان، علی‌امید درشوراهای‌کارگری شرکت وبرای کارگران سخنرانی می‌کرد ، پس‌از واقعه ۱۵ بهمن‌علی‌امیدمانندسایرفعالین سندیکائی‌بزندان افتاد. درجریان ملی شدن صنعت‌نفت، علی‌امید فعالانه در سازمان‌دهی مبارزهٔ کارگران ، بویژه کارگران نفت‌جنوب علیه شرکت غاصب نفت انگلیس شرکت داشت.

رفیق شناسائی درپایان سخنان خودگفت،

اکنون ۶سال است که‌شادروان علی‌امید،ما را ترك‌کرده است، ولی درسی را که او بما آموخته است، گرانبها است. علی اعتقاد راسخ به‌پیروزی طبقه‌کارگر داشت و در مبارزه علیه امپریالیسم‌پایدار بود اکنون‌که انقلاب ما تحت رهبری امام‌خمینی برای‌کوتاه‌کردن دست امپریالیسم از سرزمین‌ما و کسب آزادی و استقلال ، وارد مرحله اساسی خود شده است، یکبار دیگر علی‌امید دربرابر ماندا میدهدکه، **مرگ‌برامپریالیسم.**

کارگران وزحمتکشان ومستضعفان‌که در این مبارزه ضدامپریالیستی نقش‌فعال واساسی دارند، یکبار دیگر باعلی امیدپیمان می‌بندند که تاپیروزی نهائی براه خود ادامه‌دهند.

پس‌از سخنرانی رفیق شناسائی واعلام یك دقیقه‌سکوت به‌یادعلی‌امید، مردم با ندای‌پرشور، **درود برخاطرهٔ تابناك رفیق علی‌امید**،مزار وی‌راگلباران کردند.

در مقابل لانه جاسوسی آمریکا...

بقیه ازصفحه ۱

شهدا عزیزاله عسکری و رضا خاك‌نجاتی.

شعار مرك برامریکا در فضای دردآلود و محزون جلوی لانه جاسوسی اوج می‌گیرد راه می‌گشاید و بر پیکر نیمه‌جان امپریالیسم فرود می‌آید. پلاکاردی با زبانه‌های آتش خشم‌خلق موج برمی‌دارد. روی آن نوشته شده:

روز قدس روز نابودی امریکا و اسرائیل

زمین در زیر چکمه‌های پرزخشمشان گویی به‌لرزش‌افتاده قلب هرکدام از آنها اینك پرچمی است برای رهائی، دستشان مسلسلی برای آزادی و عشقشان سنگری برای مبارزه با امریکا.

زنی در جلوی میله‌های لانه جاسوسی فریاد می‌زند: مرك‌بر کارتر. مادران می‌گریند. مردان فریاد می‌کشند و امریکا می‌لرزد. وقتی این جانبازان صحنهٔ جلوی لانهٔ جاسوسی را ترك می‌گویند، در خون برادران شهیدشان با هم پیمان بسته‌اند که تا آخرین لحظهٔ مرك امپریالیسم از پای ننشینند.

مادری در گوشه‌ای با کودکی بی‌دست خاموش اشك می‌ریزد هر قطره اشك او گلولهٔ خشمی است که از لوله‌های‌تفنك رهروان بیرون می‌جهد.

مردم به‌ناگاه متوجه او می‌شوند همه مشتاق به آن‌طرف میدوند. زن فریاد می‌کشد: ـ بچهٔ منو امریکا بی‌دست کرد آن یکی‌رو کشته و شوهرمو ناقص‌کرده. ای مرك بر آمریکا.

در کنار او کودکی است که‌دست ندارد. زن می‌گوید: اسمش ابوالفضل صفاجو است. بچه‌ام سه‌سال دارد،دست‌هایش را ببینید. تهرانی با ساطور تو جاده بندرعباس قطع کرده است. ـ ۲۲ بهمن بود و شوهرم تحت تعقیب و ما داشتیم فرار می‌کردیم که توجاده دارودسته تهرانی جلوی ماشین ما را گرفتند. من و شوهرم را به‌قصد کشت زدند بچهٔ شش‌ماهه مرا کشتند و دستهای ابوالفضل را قطع کردند. دیگر اشك مجالش نمی‌دهد و خلق فریاد می‌کشد: مرك بر کارتر مرك بر شاه.

صف کارگران و دانش‌آموزان هشتگرد نظرآباد (ازبخش ساوجبلاغ) در همین موقع از راه می‌رسند. بعد از سه‌روز راه‌پیمائی اینك در جلوی سفارت جانی نو می‌گیرند از ته قلب‌فریاد می‌کشند و خشم بی‌دریغ خود رانثار امریکای خون‌آشام‌می‌کنند. شعار می‌دهند:

ـ امریکا امریکا مرك به نیرنك تو
خون شهیدان ما می‌چکد ازچنك‌تو

پلاکاردی در دستشان آئینهٔ تمام‌نمای عزمشان است:

ـ از هجرت تا شهادت، راهپیمایان وحدت

می‌آیند، می‌آیند و می‌آیند ـ لحظه‌ای این دریای پرخروش از رفتن باز نمی‌ماند . او می‌رود تا سد وابستگی‌را از جای‌برکند.

تصحیح

درشماره۱۲۵ «مردم»صفحه ۵، مقالهٔ «دربارهٔ قانون‌جدیدکار که باید تدوین شود» بشرح زیر تصحیح میشود :

ستون دوم، پاراگراف ، «درمورد کارهای سخت و زیان آور...» تکراری است.

ستون سوم، پاراگراف، ـ«حق‌کارگران به‌تحصن...» تکراری است.

ستون پنجم سطراول بجای بحساب کارگر، **بحساب کارفرما** خوانده شود.

از کمهای رفقا و دوستان سپاسگزاریم

گروهی از دانش آموزان کلاس دوم راهنمائی پسران‌جهان‌تربیت ۴۰۰۰ ریال

www.iran-archive.com

چه کسانی رژیم دمکراتیک افغانستان را تأیید میکنند

وچه کسانی علیه این رژیم زیر پوشش «حرکت اسلامی» به توطئه وشورش دست میزنند

یاسرعرفات رهبر سازمان آزادیبخش فلسطین در پیام خود خطاب به رئیس شورای انقلاب جمهوری دمکراتیک افغانستان مینویسد: «همبستگی و حمایت برادرانه و راستین شما ازمبارزات خلق فلسطین شایان ستایش است.» در این پیام انقلاب دمکراتیک خلق افغانستان چنین توصیف شده است: «انقلاب ثوردرافغانستان برای پیروزی انقلاب فلسطین پشتوانه جدیدی‌است وبمنزله سنگریست برضد امپریالیسم، صهیونیسم و استعمار.» یاسر عرفات سپس مینویسد:

«خلق فلسطین از مقاومت شما در برابر توطئه‌هائی که علیه مردم افغانستان انجام میگیرد بخوبی آگاه است. ما اطمینان داریم که شما دراین مبارزه‌پیروز خواهید شد وآرمانها وشعارهای انقلاب خلق افغانستان که ایجاد جامعهٔ رفاه برای همه‌زحمتکشان افغانستان‌است عملی‌خواهد شد.»

مفسرین سیاسی آمریکائی براین عقیده‌اند که موقعیت جغرافیائی واستراتژیکی‌افغانستان برای واشنگتن حائزاهمیت‌است وبهمین‌جهت این‌یك تصور واهی است‌که ایالات متحده آمریکا از مداخله درامور افغانستان و پشتیبانی از شورشیان ضد دولت قانونی آن کشور به‌این سادگی دست بردارد. در مقاله یکی از روزنامه‌نگاران که‌در آخرین‌شماره مجله آمریکائی کانترسایز انتشار یافته گفته‌میشود اطلاعات واخباری که‌درمطبوعات منتشر میشودحاکی ازآنند‌که سازمان‌جاسوسی «سیا» درامورآموزشی وتجهیزشورشیان ضددولتی‌درافغانستان کاملادخالت دارد. اردوگاههائیکه برای آموزش شورشیان افغانستان در نواحی مرزی‌پاکستان‌وافغانستان تشکیل یافته بوسیله مأموریں رسمی«سیا» وباعاملین‌این‌سازمان جاسوسی‌که اغلب از اهالی محل هستند اداره میشود . مأموران و عوامل «سیا» زیر پوشش سازمان مبارزه با ترویج مواد مخدر و سازمان آمریکائی «بنیادآسیا» در نواحی مرزی پاکستان با افغانستان فعالیت میکنند.دراین مقاله آمده است‌که دوتن‌ازسران شورشیان «مسلمان» افغانستان **تبعه‌ایالات‌متحده** آمریکاهستند. در ماه مارس سال جاری یکی از آنهادروزارت امورخارجه‌ایالات متحده آمریکا بامقامهای این وزارتخانه مذاکراتی‌داشته‌است واین مذاکرات درست درآستانه حوادث هرات‌که بوسیله‌شورشیان ایجادگردید، انجام‌گرفت. دراین مذاکرات علاوه برلوسون مقام مسئول وزارت‌امورخارجه‌آمریکا، سناتورجرج وسناتورجری‌شرکت داشته‌اند. لوسون نماینده‌وزارت امورخارجه پس‌ازاین مذاکرات ازپاسخ به سئوال خبرنگاران‌در موردایـنکه آیا دراین مذاکرات مسائل مربوط به‌اسلحه‌وتجهیزات نظامی بررسی شده‌است‌خودداری کرد. دراین مقاله مجله‌آمریکائی آمده است هیچ‌تردیدی نیست‌که فراریان‌افغانستانی‌دراردوگاههای مستقردرخاك پاکستان آموزش نظامی‌می‌بینندوبطورمسلم‌مربیان ومستشاران نظامی‌آمریکائی و چینی امورآموزشی در این اردوگاهها را اداره میکنند.

دراین مقاله‌گفته میشود چینیهاکمتر ازآمریکا به حوادث افغانستان علاقمند نیستند، آنها هم از شورشیان «مسلمان» این کشورعلیه دولت‌قانونی‌افغانستان پشتیبانی میکنند وبه‌آنها آموزش میدهندوبا اسلحه و مهمات آنها راتجهیزمیکنند. طبق‌گزارش‌یك مجله کانادائی حتی در سازمان مبارزه باترویج‌مواد مخدرمجاور مرزافغانستان‌عده‌ای‌ازکارشناسان چینی فعالیت دارند.

مسئله حضورمستشاران و مربیان نظامی‌چینی‌وهمکاری‌آنان باکارشناسان نظامی امریکائی‌در اردوگاههای فراریان افغانستانی که‌در خاك‌پاکستان مستقر هستند دیگررازی نیست. چینیها علاوه برآموزش،به‌شورشیان افغانستان اسلحه‌ومهمات وتجهیزات نظامی میدهند. جان‌سی‌جی فرمانده نیروی هوائی‌ارتش‌چین‌که درماه مارس درراس یك‌هیئت نمایندگی ارتش چین ازپاکستان دیدن‌نمود ازین‌اردوگاهها بازدیدبعمل‌آورد. علاوه براین طبق اخباری که‌در مطبوعات ژاپن انتشار یافته‌در سین‌زیان یکی‌از ایالات‌اویغور نشین‌چین‌مجاور مرزافغانستان یك‌اردوگاه آموزشی برای شورشیان افغانستان استقراریافته که تمام امور آن‌راچینیها اداره میکنند.

این‌واقعیات که‌هرروزگوشه‌هائی‌ازآن درمطبوعات غرب افشاء میشود، نمایانگر ماهیت واقعی‌وهدفهای‌شورشیان‌افغانستان یعنی‌عناصر ضدانقلابی آن‌کشور علیه‌رژیم دموکراتیك خلق افغانستان است‌که زیر پوشش «حرکت اسلامی» وبا حمایت و پشتیبانی امپریالیسم امریکا و متفقین چینی‌آن عمل‌میکنند.

درست همین پوشش «حرکت اسلامی» است‌که‌درارزیابی‌واقع‌بینانه حوادث‌افغانستان‌درمیهن‌ما برای‌عده‌ای بعلت‌عدم‌آگاهی‌کافی وتحریف‌واقعیات سردرگمی پدید آورده است. اماعده‌ای به عمد میخواهندواقعیات‌درباره‌رویدادهای افغانستان راتحریف کنند و نتایج دلخواه خودرا ازآن‌بدست بیاورند.

درضمن عناصری‌هم‌که‌خود را مهاجران افغانستانی مینامند وچه بسا وابسته به‌فئودالها و مستکبرین وعناصر ضدانقلابی بوده در بهترین حالت معلوم نیست وابسته به‌چه‌محافلی‌هستند، بااستفاده ازین وضع روزبروز دایره فعالیت انتشاراتی خود را گسترش‌میدهند. اکنون‌درجمهوری اسلامی ایران‌چندین‌نشریه‌وابسته به‌مهاجران افغانستانی‌زیرنامهای حرکت‌اسلامی افغانستان،زوزنامه «پیام‌مستضعفین»ارگان‌سازمان‌نصر «استقامت» نشریه حرکت‌اسلامی افغانستان، «پیام‌مبارز» نشریه جنبش مسلمانان‌مبارز افغانستان انتشار میابد. این‌نشریات‌مانند همه شورشیان افغانستان‌همه خود را بدروغ‌مدافع‌مستضعفین واسلام معرفی‌میکنندوتلاش‌دارنددرحرف وجوه مشترکی میان‌انقلاب‌ایران ومبارزات ضدامپریالیستی مردم ایران باشورشیان افغانستان که به‌سرکردگی عده‌ای‌ازفئودالهای مطرودبرضدحکومت خلقی مردم افغانستان به‌توطئه وخرابکاری و تحریك‌مشغولندبپابند.

در ضمن این نشریات که آزادانه در کشورما طبع ونشر مییابند و از امکانات ویژه و گسترده‌ای‌نیز برخوردارند بخش اعظم مطالبی که در آنها نوشته میشود مطالبی است توطئه‌گرانه‌و تحریك آمیزدرباره‌مناسبات میان جمهوری اسلامی‌ایران‌باجمهوری دمکراتیك افغانستان و اتحاد شوروی. درصورتیکه‌روابط‌رسمی جمهوری اسلامی ایران با اتحاد شوروی طبق توصیف‌مقامات‌رسمی کشور روابطی است دوستانه و مبتنی براحترام متقابل.

این گروههای مهاجر افغانستانی حتی در داخل‌کشور، در تظاهرات و راه‌پیمائیهای گروههای سیاسی و تظاهرات همگانی بر زمینه مبارزه علیه امپریالیسم آمریکا به اقدامات تحریك‌آمیز وانحراف توجه از شعار اصلی مردم‌بپاخاسته ایران دست میزنند وبه‌نفاق‌افکنی می‌پردازند. این فعالیتهای تفرقه‌افکنانه نشریات تحریك‌آمیز مهاجران افغانستانی خدمتی‌است به نیروهای ضدانقلاب و حامیان امپریالیستی آنان.

وظیفه انقلابی ماست که حامیان ودشمنان‌انقلاب‌افغانستان راباشناسیم وبه‌بینیم که‌توطئه‌گران علیه انقلاب خلقی‌افغانستان‌همان محافل امپریالیستی هستندکه‌علیه انقلاب ایران نیز دسیسه‌چینی میکنند.

حمله ضدانقلاب به کتابفروشی نیل

عصردیروزدرحمله ضدانقلابیون به‌کتابفروشی نیل واقع در مقابل دانشگاه تهران یك فروشنده‌کتاب بشدت زخمی‌شدوتعدادی زیادی‌کتاب ازمیان رفت.

ضدانقلابیون‌که تعداد آنها نزدیك به ۱۵ نفر بود، ساعت ۵ بعدازظهر دیروز واردکتابفروشی نیل‌که یکی ازقدیمی‌ترین و معتبرترین ناشران تهران است شدند. مهاجمان چوب وچماق و پنجه‌بوکس دردست داشتند. آنها بعدازورود به‌کتابفروشی شروع به دادن شعار،

ـ مرگ برحزب توده

کردند وچند ثانیه بعد بطورناگهانی به یورش پرداختند. چندتن ازمهاجمان به خریداران‌کتاب وفروشندگان‌کتابفروشی‌حمله‌کردند وبا چوب وچماق آنها را بیادکتك ودشنام‌گرفتند.

گروه‌دیگری‌ازمهاجمان به ویترین حمله‌کردند وبعدازدرهم شکستن آن، تعداد زیادی ازکتابها را بیرون ریختند. مهاجمان آنگاه موجودی صندوق‌کتابفروشی را به سرقت بردند وگریختند. یکی‌ازشاهدان‌حادثه‌به خبرنگارمردم‌گفت، «مهاجمان به‌سلاح‌کمری مجهز بودند».

یکی ازمسئولان‌کتابفروشی نیل به خبرنگار ماگفت، «من مهاجمان را می‌شناسم. هدف آنها ایجاد آشوب درشرایط حساس امروزایران است. من ازاین عده به دادگاه انقلاب اسلامی شکایت میکنم وآنها را تحت تعقیب قرارمیدهم».

کتابفروشی را خراب کردند

ضدانقلاب، کیوسك‌کتاب فروشی تیموری واقع درچهارصد دستگاه نازی‌آباد راخراب‌کرد.

این کیوسك‌درکنارآپارتمانی قراردارد. عوامل ساواك ساعت ۱۲ شب روز ۱۲آذر از پشت‌بام بلوك ۱۲ این‌آپارتمان یك قطعه شوفاژ پنج‌پرکهنه وازکارافتاده‌را بروی تاق‌کیوسك پرت‌کردند و ویترین وسقف‌آنرا درهم‌شکستند ریختن تاق، مقداری ازکتابها و نشریات داخل‌کیوسك را ازبین برد .

گروهی ازجوانان‌محل،پول رویهم‌گذاشتندوبه‌ترمیم‌خسارتهای وارده به‌کیوسك پرداختند آنها میگفتند، ضدانقلاب هرچه‌بیشتر از این‌کارها بکند، کمتر موفق میشود.

خوانندگان گرامی میتوانند درخارج‌ازکشور به آدرس‌های زیر با «مردم» مکاتبه‌کنند

انگلیس

P O. BoX141
London. E 70 PE

مردم
ارگان مرکزی حزب توده ایران
خیابان ۱۶ آذر شماره ۶۸
تلفن: ۹۳۵۷۲۸ـ۹۳۳۴۵۹
چاپ، کاویان

MARDOM
No. 126
25 December 1979
Price:
West — Germany 0.80 DM
France 2 fr
Austria 8 sch.
England 20 P.
Belgium 10 fr.
Italy 350 L.
USA 50 Cts.

نمایشگاه بیاد دکترتقی ارانی رهبر زحمتکشان ایران

۱۴ بهمن، سالگرد شهادت دکترتقی ارانی، رهبرزحمتکشان ایران است . بدین‌مناسبت قرار است نمایشگاهی بیاداین‌دانشمند انقلابی شهید ترتیب‌داده شود.

از همه‌کسانی‌که عکس یا اطلاعی درباره زندگی خصوصی‌و اجتماعی،درباره‌مبارزه‌ودستگیری و زندان وشهادت ارانی دارند، خواهشمند است کسه عکسها و اطلاعات‌خودرادراختیاردبیرخانهٔ کمیته‌مرکزی حزب تودهٔ ایران قرار دهند. موجب سپاس فراوان خواهدبود.

نام‌نویسی در حزب تودهٔ ایران

کارگران‌وزحمتکشان‌هوادار حزب‌توده ایران که‌مایلندرحزب ثبت‌نام‌کنند، ولی در ایام هفته فرصت اینکاررا ندارند، میتوانند روزهای جمعه‌ازساعت ۹ تا ۱۱ صبح واز ۲ تا ۵ بعد از ظهر به دبیرخانه کمیته مرکزی حزب تودهٔ‌ایران،واقع‌درخیابان۱۶ آذر ضلع‌غربی‌دانشگاه‌تهران، مراجعه کنند.درشهرستانها نیز، دفاتر حزب توده ایران‌برای نام‌نویسی آماده است.

رویدادهای جهان

مذاکرات مهم هیئت نمایندگی مجلس‌ملی‌فلسطین بارهبری‌شوروی

خبرگزاری فلسطینی وفاگزارش میدهد،

هیئت نمایندگی مجلس ملی فلسطین بریاست برادرخالد الفاهوم رئیس‌مجلس، مذاکرات مهمی باآقای واسیلی‌کوزنیتسوف نامزد دفترسیاسی کمیته‌مرکزی حزب‌کمونیست اتحادشوروی‌ومعاون اول صدرهیئت رئیسه شورای‌عالی شوروی بعمل‌آورد.طی‌مذاکرات برضرورت تضمین حقوق ملی ومشروع خلق‌فلسطین وحق تعیین سرنوشت بدست خود و ایجاد دولت مستقل فلسطین تأکید فراوان شد. برادرخالدالفاهوم تشکرات خودرا ازشوروی وکمکهائیکه‌به مسئله عادلانه خلق‌فلسطین میکنندابراز داشت واشاره‌کردکه‌روابط دوستی فلسطین وشوروی بطورموفقیت‌آمیزی عمیق‌تر میشودوبجلو میرود .

ازطرف دیگرآژانس خبرگزاری شوروی ـ نووستی ـ به پیشرفت روابط شوروی وفلسطین اشاره‌کرد و افزودکه مستحکم گردانیدن این روابط دراین روزها دارای اهمیت خاصی میباشد بخصوص درزمانیکه اسرائیل ودرپشت سرش امپریالیسم‌آمریکا معاهده‌کمپ‌دیوید را به‌استخدام‌گرفته‌اند تا به‌سیاست توسعه‌طلبی وتجاوز برعلیه خلق فلسطین وامت عربی ادامه دهند. خبرگزاری نووستی‌به‌دیدار برادرابوعمار رئیس کمیته‌اجرائی‌سازمان‌آزادیبخش فلسطین وفرمانده‌کل نیروهای انقلاب فلسطین وهمچنین‌دیداری که هم‌اکنون هیئت نمایندگی مجلس‌فلسطین بآن‌پرداخته‌وجشنهائی که بمناسبت روزجهانی همبستگی باخلق فلسطین درمسکوبرگزار گردید اشاره‌کرده و میگوید اینها بطوری فعالانه وسمت مستحکم بودن روابط دوستی درتمام جهات را بین‌نمایندگان‌خلقهای‌فلسطین وشوروی، تاکیدمیکند،همچنین‌گفته‌لئونیدبرژنف‌رئیس شورای‌عالی اتحادشوروی را بازمیکندکه خلقهای‌عربی دراتحاد جماهیرشوروی دوستی‌هم پیمان وخالص را برای همیشه خواهند یافت.

خلق‌کامبوچیا برمشکلات پیروز خواهد شد

هنگ‌سامرین رئیس شورای انقلابی‌کامبوچیا یکبار دیگر اعلام‌کردکه کمکهای برادرانه و بی‌شائبه اتحاد شوروی، جمهوری سوسیالیستی ویتنام ودیگرکشورهای سوسیالیستی‌کمك بزرگی به خلق‌کامبوچیا در مبارزه با دشواریهای‌کنونی است‌که میراثی از حکومت جنایتکاربول‌پوت‌ـ‌ینگ‌ساری است. سامرین‌گفت خلق کامبوچیا برهمه مشکلات پیروزخواهد شد. امپریالیسم آمریکا و مائوئیستهای چین سعی دارند با تقویت باندهای جنایتکار رژیم سرنگون‌شده پول‌پوت درراه انقلاب خلق‌کامبوچیا خرابکاری‌کنند.

ناآرامی‌های تازه در چین

به‌گزارش خبرگزاریها، در ۹ ایالت چین ناآرامیهای شدیدی روی داده است. رهبران مائوئیست چین‌برای فرونشاندن ناآرامیها ازنیروهای‌مسلح استفاده‌کرده‌اند. درچند منطقه‌سربازان به پاسداری درخیابانها مشغول‌اند.

درچندماه اخیرچین بارهاشاهد آشوبهای جدی بوده است. ازجمله دربکن دهقانان زنده‌پوش به خیابانها ریخته وخواستارنان وشغل شدند.

کمونیست‌های انگلیسی علیه طرحهای خطرناك آمریکا اعتراض میکنند

حزب‌کمونیست انگلیس بسه طرح خطرناك ناتو در مورد استقرارموشکهای جدید هسته‌ای‌آمریکائی دراروپای غربی‌اعتراض کرد. حزب‌کمونیست انگلیس‌اعلام‌کردکه‌این اقدام مردم انگلیس را درمعرض تهدید قرارداده وصلح را به مخاطره میاندازد. حزب کمونیست انگلیس یادآورشد باید تدابیرجدی برای مقابله با گسترش مسابقه تسلیحاتی‌که ازسوی غرب دامن زده میشود، اتخاذ شود.

توطئه جدید رژیم سادات علیه خلق فلسطین

شهرداران‌کران غربی رود اردن توطئه‌رژیم مصررادرمورد گشایش دو «دفتر رابط» درکرانه غربی رود اردن افشاءکرده و آنرامحکوم نمودند. شهرداران‌گفته‌اند این‌باصطلاح «دفاترارابط» راکه شعبه‌ای ازسرویس جاسوسی مصرخواهد بود، تحریم میکنند. شهرداربیت‌اللحم تاکیدکردکه‌سازمان‌آزادیبخش‌فلسطین‌تنها نماینده قانونی خلق فلسطین است. مقامهای رژیم عروسکی سادات اعلام کرده بودند برای «برقراری تماس» بافلسطینی‌ها ودرك تقاضای مردم فلسطین‌دو «دفترارابط» درکرانه‌غربی‌رودداردن افتتاح‌خواهند کرد. زیرا ازتقاضای واقعی مردم‌فلسطین‌اطلاعی دردست‌نیست(!!) بگفته ناظران عرب دربیروت، رژیم سادات بدین‌ترتیب میخواهد سیاست همکاری با امپریالیسم آمریکا وصهیونیستهای اسرائیل و خیانت به‌آرمان عرب‌را پنهان‌سازد. چراکه مشکل است درك‌کرد رژیم سادات نتوانسته باشد تاامروز ازتقاضای خلق فلسطین که‌زیر یوغ تجاوز امپریالیسم وصهیونیسم‌بسرمیبرد آگاه شده‌باشد. به‌گفته این ناظران، هدف دیگر رژیم سادات آن است که باکمك این دفاتر عده‌ای ازسازشکاران را درسرزمین اشغالی به‌دام طرح‌های کمپ‌دیوید بکشاند.

حزب‌کمونیست افریقای جنوبی علیه رژیم ضدخلقی و نژادپرست این‌کشور می‌رزمد

یوسف‌دادو، رهبرحزب‌کمونیست‌افریقای‌جنوبی‌اعلام‌کردکه هدف سیاست رژیم‌نژادپرست‌این‌کشور دائمی‌کردن نظام‌نواستعمار درجنوب افریقاست. وی‌گفت ادامه اشغال نامیبیا، مثال بارز این سیاست است. دراین‌سرزمین‌نیروهای اشغالی افریقای جنوبی‌ترور وخشونت علیه مردم غیرنظامی راشدت میبخشند ومیهن‌پرستان را تحت‌تعقیب قرارمیدهند. یوسف دادوگفت مقامهای نژادپرست‌تلاش دارند درحل وفصل مسئله زیمبابوه (رودزیا) اثرگذاشته واکنون تهدید میکنند اگرجبهه میهن‌پرستان به‌قدرت برسد، افریقای جنوبی اززور استفاده‌خواهدکرد. یوسف دادوکه دربزرگداشت‌روز قهرمانان‌افریقای‌جنوبی‌سخن‌میگفت، یادآور شدکه‌رژیم‌نژادپرست بااستفاده‌ازتکنولوژی وسرمایه‌های غربی یك‌ماشین جنگی‌نیرومند ایجادکرده است واکنون‌ازاین ماشین علیه جنبش‌های رهائی‌بخش آفریقای‌جنوبی، رودزیا ونامیبیا وهمچنین علیه‌کشورهای همسایه استفاده میکند. یوسف‌دادوگفت،میهن‌پرستان‌جنوب افریقامصمم‌اند مبارزه‌علیه نژادپرستی، آپارتاید، استعمارنو و امپریالیسم راشدت بخشند.

باتکاء به‌پیام تاریخی امام خمینی، مسئله کردستان را از راه مسالمت آمیز، باتأمین